

راویان و شیوخ شیعی بخاری

سید محمود مرعشی نجفی^۱

و مادرش به بخارا بازگشتند و بخاری در مکه و حجاز ماند، تا از

خرمن دانش عالمان و محدثان آن دیار خوشه برچیند.^۶

استادان و شیوخ بخاری متجاوز از هزار نفرند. او برای

استفاده از این استادان، به بیشتر شهرهای مهم علمی سرزمین

پهناور اسلامی آن زمان سفر کرد، که حتی اشاره به نام این

استادان نیز در این مقال میسر نیست. از این رو، به برخی از شهرها

و استادان وی اشاره می‌کنیم: او در بخارا پیش از این که سفر خود

را در طلب حدیث آغاز کند، نزد عبدالله بن محمد بن عبدالله بن

جعفر بن الیمان جعفی مُسنَدی، محمد بن سلام بیکندی

و دیگران دانش آموخت. سپس در بلخ از مکی بن ابراهیم، در

مرو از عبدان بن عثمان، علی بن الحسن بن شقیق و صدقه بن

فضل، در نیشابور از یحیی بن یحیی، در ری از ابراهیم بن موسی،

در بغداد از محمد بن عیسی بن طباطبائی و سربیع بن نعمان، در بصره

از ابو عاصم نبیل و عبدالرحمن بن حماد شعیبی، در کوفه از

عبیدالله بن موسی و ابونعیم و خالد بن مخلد، در مکه از

ابو عبدالرحمن مقرئ، خلاد بن یحیی، ازرقی و حمیدی، در

ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه یا

بَدْرُزْبَه یا یَزْدَبَه جَعْفی بخاری^۱ (۱۹۴ - ۲۵۶ ق / ۸۱۰ - ۸۷۰ م)

محدث، فقیه، رجالی، حافظ، موزع و دانشمند نامدار اسلام، که

در بسیاری از علوم متداول زمان خود مهارت داشت.

نیای بزرگ وی، مُغیره، مجوسی بود و به دست یمان جَعْفی

مسلمان شد. از این رو، به جعفی نسبت داده شده و کلمه بردزبه

یا بَدْرزبه به معنای کشاورز است که نشان می‌دهد نیاکان وی

کشاورز بوده‌اند.

موزخان زادگاه وی را دقیقاً مشخص نکرده‌اند، و گویا در

سیزدهم شوال ۱۹۴ در بخارا، چشم به جهان گشود. و از همان

دوران کودکی به کسب دانش و معرفت علاقه فراوانی داشت

و از هوش و ذکاوت سرشاری برخوردار بود؛ چنانکه در ۲۰۵

قمری، یعنی در نه سالگی، به استماع حدیث پرداخت و در

شانزده سالگی، کتابهای ابن مبارک و وکیع را حفظ کرد؛ آن‌گونه

که نوشته‌اند، وی در همان اوایل کودکی و نوجوانی، حافظ هفتاد

هزار حدیث بود.^۲ محمد بن بشار گوید: حافظان حدیث در دنیا

چهار نفر بودند که از همه حافظان حدیث نامورترند: ابوزرعه

رازی در ری، دارمی در سمرقند، مسلم در نیشابور و ابوعبدالله

بخاری در بخارا.^۳ و احمد بن حنبل گوید: حفظ حدیث به چهار

نفر از اهل خراسان منتهی شد: ابوزرعه رازی و محمد بن

اسماعیل بخاری و عبدالله بن عبدالرحمن سمرقندی

و حسن بن شجاع بلخی.^۴ او خود گوید: صد هزار حدیث

صحیح و دویست هزار حدیث غیر صحیح را حفظ کردم.^۵

بخاری، پس از فراگیری علوم مقدماتی، گویا پس از شانزده

سالگی، با مادر و برادر خود، برای انجام مراسم حج، به حجاز

سفر کرد، و چنان که خود وی گفته، پس از مراسم حج، برادر

۱. الجرح و التمدیل، ۱۹۱/۷؛ ثقات ابن حبان، ۱۱۳/۹؛ فهرست ابن ندیم، ص ۲۸۶؛ تاریخ بغداد، ۴۲-۳۳؛ طبقات الحنابلة، ۲۷۱/۱ - ۲۷۹؛ الانساب سمعانی، ۱۰۷/۳؛ اللباب، ۱۲۵/۱؛ تهذیب الاسماء و اللغات، ۶۷/۱ - ۷۶؛ رFIات الایمان، ۱۸۸/۴ - ۱۹۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۳۹۱/۱۲ - ۴۷۱؛ تذکره الحفاظ، ۵۵۵/۲ - ۵۵۷؛ الوافی بالوفیات، ۲۰۶/۲ - ۲۰۹؛ تهذیب الکمال، ۳۳۰/۲۴ - ۴۶۷؛ طبقات الشافعیة الکرری، ۲۱۲/۲ - ۲۴۱؛ البدایة و النهایة، ۲۴/۱ - ۲۶؛ تهذیب التهذیب، ۴۷/۹ - ۵۵؛ العصر، ۱۲/۲ - ۱۳؛ النجوم الزاهرة، ۲۵/۳ - ۲۶؛ طبقات الحفاظ، ص ۲۴۸-۲۴۹؛ طبقات المفسرین داودی، ۱۰۰/۲؛ مرآة الجنان، ۱۶۷/۲؛ مفتاح السعادة، ۱۳۰/۲؛ شذرات الذهب، ۱۲۴/۲ - ۱۳۶.

۲. سیر اعلام النبلاء، ۴۱۷/۱۲.

۳. تاریخ بغداد، ۱۶/۲.

۴. تهذیب الکمال، ۴۵۶/۲۴.

۵. طبقات الحنابلة، ۲۷۵/۱.

۶. طبقات الشافعیة الکرری، ۲۱۶/۲.

استقبال از وی شتافتند و او را مورد احترام و تکریم قرار دادند، تا آن جاکه ذُهلی به عالمان و محدثان نیشابور و حتی به شاگردان خود گفت که در مجلس درس و املاهای بخاری حاضر شوند و از او استفاده کنند. از این رو، گروه زیادی در جلسات درس وی حاضر شدند، و دیری نپایید که محافل درسی دیگر علماء، از جمله جلسه درس ذُهلی خلوت شد و به شدت مورد حسادت قرار گرفت، و ذُهلی با حيله و تدبير، برای از میدان به در کردن بخاری، جمعی را واداشت تا درباره خلقت قرآن و عدم خلقت آن از بخاری سؤال کنند و بهانه‌ای برای اخراج وی، از نیشابور به دست آورد. و عاقبت هم بخاری را متهم کرد که به خلق الفاظ قرآن، اعتقاد دارد، و بخاری، پس از پنج سال اقامت در نیشابور و تدریس، مجبور شد که از نیشابور عزیمت کند و به بخارا برود.^۸

هنگام ورود به بخارا نیز به شدت مورد استقبال گرم عالمان، محدثان، مسئولان و مردم بخارا قرار گرفت، تا آن جاکه در میان استقبال کنندگان شیرینی پخش کردند و درهم و دینار بر سر بخاری ریختند و او را مورد تجلیل قرار دادند و در جلسات درس وی حاضر شدند، اما در این جا نیز دیری نپایید که مورد حسادت دیگران قرار گرفت و عوامل مختلفی دست به هم داد تا عرصه را بر بخاری تنگ کنند. از یک سو، والی بخارا از آن رو که بخاری دعوت وی را برای تدریس فرزندان و خود او نپذیرفت، از وی خشمگین شد، و از سوی دیگر، محدثان و عالمان بخارا، چون موقعیت خود را در خطر می‌دیدند، به او حسادت ورزیدند و والی بخارا را، به او بیشتر بدبین ساختند، و از جانب دیگر، محمد بن یحیی ذُهلی، محدث بزرگ و نامدار نیشابور، در نامه‌ای که به والی بخارا نوشت، بخاری را متهم به ضدیت با سنت پیامبر کرد. این عوامل والی را واداشت تا حکم به اخراج بخاری بدهد، و بالاخره بخاری، از بخارا کوچ کرد، و به دعوت مردم سمرقند، به سوی آن دیار شتافت.

مدینه از عبدالعزیز اُویسی، ایوب بن سلیمان بن بلال و در مصر از سعید بن ابی مریم، احمد بن اشکاب و اُصْبِغ، در شام از ابوالیمان، آدم بن ابی ایاس، علی بن عیاش، بشر بن شعیب و گروه بسیاری دانش آموخت و حدیث شنید و کتابت کرد.^۱ مزنی فهرست مفضلی از استادان و شیوخ وی ارائه کرده است.^۲ چنان که از شاگردان او نیز فهرستی آورده است که برخی از آنان عبارت‌اند از: ابوعیسی ترمذی، ابوحاتم، ابراهیم بن اسحاق حربی، ابوبکر بن ابی‌الدنیا، ابوبکر احمد بن عمرو بن ابی‌عاصم، صالح بن محمد جزرة، محمد بن عبدالله حضر می مُطین، ابراهیم بن معقل نسفی، عبدالله بن ناجیه، ابوبکر محمد بن اسحاق بن خزیمه، عمر بن محمد بن بُجیر، یحیی بن محمد بن صاعد، محمد بن یوسف فَرَبْرِي راوی صحیح، منصور بن محمد مَزْبُودَة، ابوبکر بن ابی‌داود، حسین و قاسم فرزندان محاملی، عبدالله بن محمد بن اشقر، محمد بن سلیمان بن فارس، محمود بن عنبر نسفی و ... مسلم بن الحجاج نیز از وی روایت کرده است.^۳

بخاری از هیجده سالگی دارای آثار مکتوب بود، و در همین سال، کتابی درباره صحابه، تابعین و اقوال آنان نوشت.^۴ کتاب تاریخ خود را، هنگامی که در مدینه بود، به رشته تحریر در آورد و یکی از بزرگترین و مهمترین آثار او به شمار می‌رود.^۵ مهمترین اثر وی کتاب الجامع الصحیح است، که به گفته خود او تصنیف آن شانزده سال به طول انجامید^۶ و شامل بیش از هفت هزار حدیث صحیح است. این کتاب از همان آغاز، در میان محدثان و مسلمانان مقبولیت یافت و شهرت فراوانی پیدا کرد و نزد علماء و فضلا از جایگاه خوبی برخوردار گردید؛ چنان که گروه بسیاری از عالمان و محدثان، به شرح، تلخیص و اختصار آن پرداختند، و تا کنون بیش از ۵۵ شرح بر آن نوشته‌اند و کتابهای زیادی نیز در استدراک، شروح و رجال آن به رشته تحریر در آورده‌اند.^۷ نسخه‌های نفیس و بسیار کهن و فراوان این کتاب، در کتابخانه‌های بزرگ جهان، از جمله در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در قم وجود دارد که در سده‌های ششم و هفتم و هشتم هجری کتابت شده است.

بخاری پس از مسافرت‌های گوناگون به شهرها و بلاد اسلامی، در سال ۲۵۰ هجری به نیشابور رسید، و مردم نیشابور، به تشویق محمد بن یحیی ذُهلی، بزرگترین عالم و محدث نیشابور، به

۱. سیر اعلام النبلاء، ۱۲/۳۹۴-۳۹۵.

۲. تهذیب الکمال، ۱/۴۳۱-۴۳۶.

۳. همان.

۴. تاریخ بغداد، ۷/۲.

۵. همان.

۶. سیر اعلام النبلاء، ۱۲/۴۰۵.

۷. رجال صحیح البخاری، ۱/۵۱-۸ (مقدمه).

۸. تاریخ بغداد، ۲۹/۲-۳۰؛ طبقات الشافعیة الکبری، ۲۲۸/۲-۲۳۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۱۲/۴۵۳-۴۵۵، ۴۵۸.

بخاری پس از چندی به روستای خَزَنک در دو فرسخی سمرقند رسید، و چون در آنجا برخی از اقوام وی زندگی می‌کردند، توقف کرد، از آن سو مردم سمرقند بر اثر سعایت و ضدیت عالمان و محدثان با بخاری به دو دسته تقسیم شدند: گروهی مخالف، و دسته‌ای هوادار ورود وی به سمرقند گشتند، و در نهایت به توافق رسیدند که بخاری را وارد سمرقند کنند، اما وقتی این خبر به بخاری رسید، بسیار ناراحت شد، و به گفته برخی از مورخان، بیمار گردید و در حالت بیماری از خداوند خواست که هرچه خیر است، برای او پیش آورد، و به قولی گفت: خدایا، زمین بر من تنگ شده، مرا نزد خویش فرا خوان، و طولی نکشید که در همان روستا، در ۶۲ سالگی و در سال ۲۵۶ هجری، چشم از جهان فرو بست، و در همان جا به خاک سپرده شد.^۱

بخاری در جامع الصحيح خویش به گفته نووی، ۷۵۷۳ حدیث مسند استخراج کرده است و کتاب خود را الجامع المسند الصحيح المختصر من امور رسول الله (ص) و سنته و ایامه نامیده است. به گفته بسیاری از عالمان و محدثان، این کتاب، نخستین تصنیف در صحیح مجرد بود و همگان متفق القول اند که صحیح کتابهای تصنیف شده در حدیث، دو کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم است، و از میان این دو کتاب، اصح همان صحیح بخاری است، البته برخی از محدثان مغرب صحیح مسلم را برتر از صحیح بخاری دانسته‌اند، اما سخن درست همان قول اول است.^۲

در این کتاب، بخاری از بیش از ۱۵۰۰ راوی، حدیث نقل کرده است، که عبارت‌اند از صحابه رسول الله (ص)، تابعین، اتباع تابعین، محدثان و راویان پس از آنان و جمع بسیاری از شیوخ و استادان خود او،^۳ که در میان این راویان گروهی از شیعیان و محدثان شیعی نیز قرار دارند، و ما در این مقال، برخی از مشاهیر صحابه، تابعین و اتباع آنان و راویان و شیوخ شیعی بخاری را که وی از آنان احادیثی در کتاب خود نقل کرده، استخراج و به ترتیب الفبایی ارائه خواهیم کرد.

۱. ابورافع قبطی مدنی^۴ (متوفی او اواخر نیمه سده اول هجری) در نسام وی اختلاف است؛ او را ابراهیم، اسلم، سنان،

عبدالرحمان، ثابت و هرمز نامیده‌اند. کنیه وی ابورافع است. او مولی عباس بن عبدالمطلب بود که به پیامبر (ص) بخشید، از این رو به مولی النبی (ص) شهرت یافت، و چون خیر اسلام آوردن عباس بن عبدالمطلب را به پیامبر (ص) داد، آن حضرت وی را آزاد کرد.

وی از پیامبر اسلام (ص) و علی بن ابی طالب (ع) استماع حدیث کرده و از بزرگان و اخیار شیعه و موثقین صحابه است و نخستین صحابه شیعی است که به تدوین حدیث پرداخته و کتاب السنن و الاحکام و القضا را به روایت از علی (ع) تدوین کرده است.

او در تمامی غزوات پیامبر (ص) و مشاهد امیرالمؤمنین علی (ع) حاضر بود و در هشتاد و پنج سالگی، در رکاب امام علی (ع) به کوفه رفت و از طرف حضرت علی (ع) متصدی و خازن بیت المال گردید. گویا تا زمان امام حسن مجتبی (ع) نیز زنده بوده است، ولی به گفته بخاری، پیش از شهادت حضرت علی (ع) درگذشته است.

علی، حسن، رافع، عبیدالله و معتمر، فرزندان وی، حسن، صالح و عبیدالله، احفاد وی، و جمعی دیگر از او روایت کرده‌اند.

بخاری در کتاب صحیح خود، در موارد مختلفی از وی روایت نقل کرده است که به یک مورد اشاره می‌شود:

«حدَّثنا ابو نعیم، حدَّثنا سفیان، عن ابراهیم بن میسر، عن عمرو بن الشریح، عن ابی رافع، قال: قال النبی (ص): الجار احق بصقبه، و فی روایة اخرى، یقول: الجار احق بصقبه لا اعصیتک.»^۵

۱. تاریخ بغداد، ۳۱/۲-۳۳، سیر اعلام النبلاء، ۴۶۳/۱۲-۴۶۶؛ تاریخ الامم ذهبی (حوادث ۲۵۱-۲۶۰) ص ۲۷۰-۲۷۳.
۲. تهذیب الاسماء و اللغات، ۷۵/۱/۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۴۷۰/۱۲؛ پاورقی.
۳. نگاه کنید به رجال صحیح البخاری، دو جلدی، ص ۲۳-۸۸۸.
۴. مغازی و واقدی، ص ۲۱۴، ۳۷۸، ۷۴۰، ۸۲۸ به بعد؛ مسند احمد، ۸/۶-۱۰؛ و ۳۹۰-۳۹۳؛ طبقات ابن سعد، ۷۳/۴-۷۵؛ تاریخ ابن معین، ۷۰/۴/۲؛ الجرح و التعذیل، ۱۴۹/۲؛ تهذیب الکمال، ۳۰۱/۳-۳۰۲؛ الامتیاب، ۶۸/۴؛ اسد الغابة، ۱۹۱/۵؛ الکاشف، ۲۹۴/۳؛ سیر اعلام النبلاء، ۱۶/۲-۱۷؛ تهذیب التهذیب، ۹۲/۱۲-۹۳؛ تقریب التهذیب، ۴۲۱/۲؛ الاصابه، ۶۷/۴؛ رجال صحیح البخاری، ۹۶/۱ (رقم ۱۰۸)؛ قاموس الرجال نسری، ۱۲/۲.
۵. صحیح بخاری، ۴۷/۳ (کتاب شفعة، باب ۲)؛ ۶۵/۸-۶۶ (کتاب الحیل، باب ۱۴ و ۱۵).

«صدوق شیعی.»

بخاری در کتابهای بیوع، جهاد و ذکر بنی اسرائیل، از او روایاتی نقل کرده است. ابن حجر او را در طبقه هشتم ذکر کرده و گفته است که در سال ۱۹۴ هجری درگذشته، ولی ابن سعد و دیگران نوشته‌اند که وی در سال ۱۷۳، و ابوالاحوص بغوی گفته که در سال ۱۷۴ هجری درگذشته است. یکی از احادیث وی عبارت است از:

«حدثني محمد بن الصباح، عن اسماعيل بن زكريا، عن عبيد الله، عن نافع، عن ابن عمر، عن النبي (ص)، قال: السَّمْعُ والطاعة حق ما لم يؤمر بالمعصية، فإذا أمر بمعصية فلا سمع ولا طاعة.»^۴

۴. جابر بن عبدالله انصاری^۵ (متوفی ۷۸ یا ۹۸ ق/ ۶۹۷ یا ۷۱۷ م)

جابر بن عبدالله بن عمرو بن حرام، ابو عبدالله سلمی انصاری مدنی. از اصحاب پیامبر اسلام (ص) که از آن حضرت حدیث شنیده است. همچنین از ابوبکر، عمر، ابی عبیده، طلحه، معاذ، عمار بن یاسر و جمعی دیگر نیز حدیث شنیده و روایت کرده

۱. طبقات ابن سعد، ۴۰۵/۶؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۴۰۳/۱؛ تاریخ الثقات عجللی، ص ۶۲؛ الجرح و التعديل، ۲۳۴/۲؛ فئات ابن حبان، ۱۱۲/۸؛ تهذيب الكمال، ۴۷۸/۲ - ۴۸۱؛ الکافی، ۶۵/۱؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۲۰۱ - ۲۱۰ ق)، ص ۵۶ - ۵۷؛ تهذيب التهذيب، ۲۵۰/۱؛ تقريب التهذيب، ۱/۱؛ رجال صحيح البخاری، ۷۸۸/۲ (رقم ۸۰)؛ قاموس الرجال تستری، ۷۸۳/۱.

۲. صحيح بخاری، ۱۶۵/۴ (کتاب المناقب فی صفة النبي (ص)، باب ۲۳).
۳. طبقات ابن سعد، ۳۲۶/۷؛ تاریخ ابن معین، ۳۴/۲؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۱۷۱ - ۱۸۰ ق)، ص ۳۶ - ۳۸؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۳۵۵/۱؛ الجرح و التعديل، ۱۷۰/۲؛ تاریخ أسماء الثقات ابن شاهین، ص ۵۲؛ تهذيب الكمال، ۹۲۳ - ۹۶؛ تاریخ الثقات عجللی، ص ۲۸؛ میزان الاعتدال، ۲۲۸/۱ - ۲۲۹؛ تهذيب التهذيب، ۲۹۷/۱؛ تقريب التهذيب، ۶۹/۱؛ رجال صحيح البخاری، ۶۷/۱ - ۶۸ (رقم ۶۱)؛ قاموس الرجال تستری، ۵۵/۲ - ۵۶.

۴. صحيح بخاری، ۷/۴ (کتاب الجهاد و السير، باب ۱۰۸).
۵. مسند احمد بن حنبل، ۲۹۲/۳؛ تاریخ ابن معین، ۷۴/۲ - ۷۵؛ طبقات ابن سعد، ۵۷۴/۳؛ تاریخ الثقات عجللی، ص ۹۳؛ فئات ابن حبان، ص ۵۲؛ الجرح و التعديل، ۴۹۲/۲؛ معجم الکبیر طبرانی، ۱۸۰/۲؛ الاستیعاب، ۲۱۹/۱؛ اسد الغابة، ۲۵۶/۱ - ۲۵۸؛ تهذيب الكمال، ۴۴۳/۲ - ۴۵۴؛ سير اعلام النبلاء، ۱۸۹/۳ - ۱۹۴؛ الکشاف، ۱۲۲/۱؛ تهذيب التهذيب، ۴۲/۲ - ۴۳؛ تقريب التهذيب، ۱۲۲/۱؛ رجال صحيح البخاری، ۱۴۱/۱ (رقم ۱۷۴)؛ قاموس الرجال تستری، ۵۱۴/۲ - ۵۱۷؛ رجال طوسی، ص ۱۲، ۲۷، ۶۶، ۷۲، ۸۵؛ رجال برقی، ص ۲، ۳، ۷، ۸.

۲. ابو عبدالرحمان سلولی کوفی^۱ (متوفی ۲۰۴ یا ۲۰۵ ق/ ۸۱۹ یا ۸۲۰ م)

اسحاق بن منصور ابو عبدالرحمان سلولی کوفی. وی از ابراهیم یوسف بن اسحاق بن اسحاق، زهیر بن معاویه، حسن بن صالح، داود بن نصیر طائی و هُرَیم بن سفیان، استماع حدیث نموده و روایت کرده است. کسانی چون: احمد بن سعید، ابونعیم، فرزندان ابی شیبه، ابوبکر، قاسم بن زکریا بن دینار و عباس دوری، از او روایت کرده‌اند.

ابن معین درباره او گفته است: «لیس به بأس.» و عجللی او را ثقة و شیعه دانسته است. ابن حجر او را در طبقه نهم و راستگو دانسته، ولی نوشته است که درباره او به خاطر شیعه گری سخن گفته شده است. ذهبی نیز او را از ثقات و اعلام به شمار آورده است. وی در سال ۲۰۴ یا ۲۰۵ هجری درگذشته است.

بخاری در باب صفة النبي (ص) از او روایتی نقل کرده که به این شرح است:

«حدثنا احمد بن سعيد ابو عبدالله، حدثنا اسحاق بن منصور، حدثنا ابراهيم بن يوسف عن ابيه، عن ابن اسحاق، قال: سمعت البراء، يقول: كان رسول الله (ص) احسن الناس وجهاً و احسنهم خلقاً و خلقاً ليس بالطويل البائن ولا بالقصير.»^۲

۳. ابوزیاد خلیفانی اسدی^۳ (متوفی ۱۷۳ یا ۱۷۴ ق/ ۷۸۹ یا ۷۹۰ یا ۸۱۰ م)

به گفته خطیب بغدادی، اسماعیل بن زکریا، ابوزیاد خلیفانی اسدی کوفی، تاجری از اهل کوفه بود که در بغداد اقامت کرد. وی از عاصم احول، بُرید بن عبدالله بن ابی بَزْده، محمد بن سوقة، عبيد الله بن عمر، اعمش، اسماعیل بن ابی خالد و جمعی دیگر، حدیث شنیده و روایت کرده است. کسانی چون محمد بن صباح دولابی بغدادی، ابوریح زهرانی، سعید بن منصور، محمد بن بکار بن ریان، از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند.

نسائی درباره وی گفته است: «ارجو انه لا بأس به»، و ابوداود او را توثیق کرده و ابن عدی او را حسن الحدیث دانسته و ابن معین نسبی او را توثیق نموده و ابن خراش او را صدوق به شمار آورده است و احمد بن حنبل نیز درباره او گفته است: «اما كان به بأس.» ذهبی در میزان الاعتدال گفته است:

است. او از اصحاب علی بن ابی طالب (ع)، حسن بن علی (ع)، حسین بن علی (ع)، علی بن الحسین (ع) و محمد بن علی (ع) بوده و از آنان حدیث شنیده و روایت کرده است. کسانی مانند عبدالرحمان، عقیل و محمد، فرزندان وی، و سعید بن مسیب، عمرو بن دینار، محمد بن منکدر، ابوجعفر باقر (ع) و گروه بسیاری از وی حدیث شنیده و روایت کرده‌اند. او در بسیاری از غزوات پیامبر (ص) شرکت داشته و در آخر عمر، نابینا شده و در سال ۷۸ هجری، در ۹۴ سالگی، درگذشته و ابان بن عثمان، والی مدینه، بر او نماز خوانده است.

بخاری در صحیح در موارد فراوانی از وی روایت نقل کرده است، که به یک مورد، اکتفا می‌کنیم:

«حدثنا مطرف ابومصعب، قال: حدثنا عبدالرحمان بن ابی الموالی، عن محمد بن المنکدر، قال: رأیت جابر بن عبدالله، یصلی فی ثوب واحد وقال: رأیت النبی (ص) یصلی فی ثوب.»^۱

۵. ابوذر غفاری^۲ (متوفی ۳۲ ق/ ۶۵۳م)

جندب بن جناده یا جندب بن سکن و به قولی برید بن جناده، ابوذر غفاری مدنی. از اصحاب بزرگوار پیامبر اسلام (ص) و از یاران باوفای علی (ع) که از پیامبر (ص) و علی (ع) حدیث شنیده است.

کسانی چون انس بن مالک، احنف بن قیس، زید بن وهب، معرور بن سويد، خرشة بن حرّ از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند. او نخستین کسی است که به پیامبر اسلام با کلمه «السلام علیک» تحیت گفت. وی در خلافت عثمان به ربذه تبعید گردید و در همان جا، چشم از جهان فرو بست. شخصیت ابوذر و بزرگواری او شهره آفاق است و نیازی به معرفی بیش از این ندارد.

بخاری در کتاب ایمان و مواضع مختلفی از صحیح، از او حدیث نقل کرده است؛ از جمله در کتابهای علم، صلاة، مواقیع الصلاة، اذان، تهجد، جنائز، زکاة، حج، استقراض، عتق، بدء الخلق، انبیاء، مناقب، مناقب الانصار، مغازی، تفسیر، ادب، استذنان، دعوات، رفاق، ایمان و ندور و توحید، که به یک مورد اکتفا می‌کنیم:

«حدثنا سعد بن حفص، حدثنا شیان، عن منصور، عن ربیع بن حراش، عن خرشة بن الحرّ، عن ابی ذر، قال: کان

النّبی (ص) اذا اخذ مضجعه من اللیل، قال: باسمک نموت و نحیی، فاذا استیقظ، قال: الحمد لله الذی احیانا بعد ما اماتنا و الیه التّشور.»^۳

۶. ابوقتاده انصاری^۴ (متوفی ۵۴ ق/ ۶۷۴م)

حارث بن ربیع بن بلدمة بن خناس بن سنان بن عیید بن عدی بن غنم بن کعب بن سلمه سلمی خزرجی مدنی از اصحاب پیامبر (ص) و علی (ع) که برخی نام او را نعمان بن ربیع و بعضی او را عمرو بن ربیع خوانده‌اند.

از پیامبر (ص) و علی (ع) حدیث شنیده است. وی از معاذ بن جبل و عمر بن الخطاب نیز حدیث نقل کرده است. کسانی مانند عبدالله، فرزند وی، و ابوسلمه بن عبدالرحمان، عمرو بن سلیم، جابر بن عبدالله انصاری، عبدالله بن رباح انصاری و انس بن مالک از او روایت کرده‌اند.

او در جنگ احد و دیگر غزوات پیامبر (ص) شرکت کرد و در جنگهای حضرت علی (ع) نیز شرکت داشت و از طرف حضرت علی (ع) والی مکه شد، اما پس از چندی برکنار گردید و در هفتاد سالگی، در کوفه چشم از جهان فرو بست و علی (ع) بر او نماز خواند.

بخاری در کتابهای وضو، صلاة، مواقیع الصلاة، اذان، جمعه، تهجد، بیوع، هبه، جهاد، فرض الخمس، مغازی، طلاق، اطعمه، ذبائح، اضاحی، اشربه، طب، ادب، رفاق، ایمان و ندور،

۱. صحیح بخاری، ۹۴/۱ (کتاب الصلاة، باب ۳ به بعد).

۲. تاریخ ابن معین، ۷۰۴/۲؛ طبقات ابن سعد، ۲۱۹/۴ - ۲۳۷؛ مستد احمد، ۱۴۴/۵؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۲۲۱/۲؛ معجم الکبیر طبرانی، ۱۴۷/۲ - ۱۵۸؛ الاستیعاب، ۲۱۳/۱ - ۲۱۷؛ اسد الغابة، ۳۰۱/۱ - ۳۰۳ و ۱۸۶/۵ - ۱۸۸؛ تهذیب الکمال، ۲۹۴/۳۳؛ الکشاف، ۲۹۳/۳؛ سیر اعلام النبلاء، ۴۶/۲ - ۷۸؛ تهذیب التهذیب، ۹۰/۱۲ - ۹۱؛ تقریب التهذیب، ۴۲۰/۲؛ الاصابه، ۶۲/۴ - ۶۴؛ کنز العمال، ۳۱۱/۱۳؛ الجرح والتعديل، ۵۱۰/۲؛ رجال صحیح البخاری، ۱۴۶/۱ - ۱۴۷ (رقم ۱۸۰)؛ رجال طوسی، ص ۱۳، ۳۶؛ رجال ابن داود، ص ۱، ۳؛ رجال حلی، ص ۳۶.

۳. صحیح بخاری، ۱۶۹/۸ (کتاب التوحید، باب ۱۳).

۴. طبقات ابن سعد، ۱۵۶؛ مستد احمد بن حنبل، ۲۸۳/۴ و ۲۹۵/۵؛ تاریخ ابن معین، ۷۲۰/۲؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۲۵۸/۲ - ۲۵۹؛ الجرح والتعديل، ۷۴/۳؛ معجم الکبیر طبرانی، ۲۷۰/۳ - ۲۷۳؛ الاستیعاب، ۱۶۱/۴ - ۱۶۲؛ اسد الغابة، ۲۷۴/۵ - ۲۷۵؛ سیر اعلام النبلاء، ۴۴۹/۲ - ۴۵۶؛ الاصابه، ۱۵۸/۴؛ تهذیب التهذیب، ۲۰۴/۱۲ - ۲۰۵؛ تقریب التهذیب، ۴۶۳/۲؛ کنز العمال، ۶۱۷/۱۳؛ رجال صحیح البخاری، ۱۸۷/۱ - ۱۸۸ (رقم ۲۴۲).

تعبیر، احکام و توحید صحیح خود، از او روایت کرده است، که به یک مورد اکتفا می‌کنیم:

«حدَّثنا عبد الله بن يوسف، قال: اخبرنا مالك، عن عامر بن عبد الله بن الزبير، عن عمرو بن سليم الزرقى، عن ابي قتادة السلمى: ان رسول الله (ص)، قال: اذا دخل احدكم المسجد فليركع ركعتين قبل ان يجلس.»^۱

۷. ابو واقد لیثی مدنی^۲ (متوفی ۶۸ ق / ۶۸۷ م)

حارث بن عمرو و به قولی حارث بن عوف و یا عوف بن حارث و یا ابن مالک ابو واقد لیثی مدنی از صحاب رسول الله (ص) که در جنگ بدر و دیگر غزوات پیامبر (ص) شرکت کرده بود. از پیامبر (ص) حدیث شنیده و روایت کرده و همچنین از ابوبکر، عمر، علی بن ابی طالب (ع) نیز روایت نموده است. کسانی چون عبدالملک و واقد، فرزندان وی، و عبیدالله بن عتب، عطاء بن یسار، سنان بن ابی سنان، عروة بن زبیر، ابومرّه یزید مولی ام‌هانی، از وی روایت شنیده و نقل کرده‌اند. او همان کسی است که به دلیل طرفداری سرسختانه‌اش از حضرت علی (ع)، معاویه سوگند خورد که اگر به او دست یابد، شکنجه‌اش خواهد کرد. او در مکه اقامت نمود و در ۶۵ یا ۷۰ یا ۷۵ یا ۸۵ سالگی، در سال ۶۸ هجری، چشم از جهان فرو بست.

ابن معین او را ثقة و حجت دانسته و ابن شاهین او را کوفی شمرده و توثیق کرده و ابن حجر در تقریب وی را ثقة و فقیه جلیل‌القدر شمرده است. ابن قتیبه او را در عناوین رجال و محدثان شیعه یاد کرده است. ذهبی نیز او را از ثقات تابعین دانسته است. وی در سال ۱۱۹، و در ماه مبارک رمضان، و به قولی در ۱۲۲ هجری، چشم از جهان فرو بست.

بخاری در کتابهای صوم، تفسیر و دیگر مواضع، از او حدیث نقل کرده است، که از آن میان می‌توان به این حدیث اشاره کرد:

«حدَّثنا احمد بن اسحاق السلمی، حدَّثنا یعلی، حدَّثنا عبدالعزیز بن سیاه، عن حبيب بن ابي ثابت، قال: اتيت ابا وائل اسأله، فقال كُنا بصفين، فقال رجل الم تر الى الذين يُدعون الى كتاب الله تعالى، فقال علی (ع): نعم، فقال سهل بن حنيف: اتهموا انفسكم فلقد رأيتنا يوم الحديبية، یعنی الصلح الذی کان بین النبی (ص) و المشرکین و لو نری قتالاً لقاتلناه، فجاء عمر، فقال: السنا علی الحق وهم علی الباطل، اليس قتلانا فی الجنة و قتلهم فی النار، قال: بلی، قال: فقیم نعتی الدنیه فی دیننا و نرجع

بخاری در کتابهای علم و صلاة، از او حدیث نقل کرده است:

«حدَّثنا اسماعیل، قال حدَّثني مالك، عن اسحاق بن عبد الله بن ابي طلحة، ان ابامرّة، مولی عقيل بن ابي طالب، اخبره عن ابي واقد الليثی، ان رسول الله (ص) بينما هو جالس فی المسجد والناس معه، اذ اقبل ثلاثة نفر، فاقبل اثنان الى رسول الله (ص) و ذهب واحد؛ قال: فوقفا علی رسول الله (ص) فاما احدهما فرأى فرجة فی الحلقة فجلس فيها و اما الآخر، فجلس خلفهم و اما الثالث، فادبر ذاهباً، فلما فرغ رسول الله (ص) قال: الا اخبركم عن التفر الثلاثة، اما احدهم، فأوى الى الله، فأواه الله و اما الآخر، فاستحيا، فاستحيا الله منه و اما الآخر، فاعرض، فاعرض الله عنه.»^۲

۸. ابویحیی اسدی کاملی کوفی^۳ (متوفی ۱۱۹ ق / ۷۳۷ م)

حبيب بن ابي ثابت قيس بن دينار، ابویحیی اسدی کاملی اعور کوفی، از تابعین و از اصحاب علی بن ابی طالب (ع)، علی بن

۱. صحیح بخاری، ۱۱۴/۱ (کتاب الصلاة، باب ۶۰).
 ۲. تاریخ ابن معین، ۷۳۱/۲؛ سیره ابن هشام، ۸۹/۴؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۲۵۸/۲؛ مسند احمد بن حنبل، ۲۱۷/۵؛ الاستیعاب، ۲۱۵/۴؛ المعجم و التعديل، ۸۲/۳ - ۸۳؛ اسد الغابة، ۳۱۹/۵ - ۳۲۰؛ تهذیب الکمال، ۳۸۶/۳۴؛ الاصابة، ۲۱۵/۴ - ۲۱۶؛ تهذیب التهذیب، ۲۷۰/۱۲ - ۲۷۱؛ تقریب التهذیب، ۴۸۶/۲؛ رجال صحیح البخاری، ۱۸۸/۱ (رقم ۲۴۳)؛ قاموس الرجال تستری، ۴۴/۳.
 ۳. صحیح بخاری، ۲۴/۱ (کتاب العلم، باب ۸).
 ۴. طبقات ابن سعد، ۳۲۰/۶؛ تاریخ ابن معین، ۹۶/۲؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۳۱۳/۲ - ۳۱۴؛ تاریخ الثقات عمجلی، ص ۱۰۵؛ المعجم و التعديل، ۱۰۷/۳ - ۱۰۸؛ فئات ابن حبان، ۱۳۷/۴؛ تهذیب الکمال، ۲۲۶/۱؛ معارف ابن قتیبه، ص ۵۸۷، ۶۲۴؛ سر اعلام النبلاء، ۲۸۸/۵ - ۲۹۱؛ الکاشف، ۱۴۴/۱؛ میزان الاعتدال، ۴۵۱/۱؛ تهذیب التهذیب، ۱۷۸/۲ - ۱۸۰؛ تقریب التهذیب، ۴۸۱/۱؛ رجال صحیح البخاری، ۱۹۰/۱ - ۱۹۱ (رقم ۲۴۶)؛ قاموس الرجال تستری، ۷۸/۳ - ۷۹؛ امالی شیخ مفید، ص ۱۵.

و لما يحكم الله بيننا؟ فقال: يا ابن الخطاب، انى رسول الله و لن يُضَيِّعني الله ابدأ، فرجع متغيظاً، فلم يصبر حتى جاء ابابكر، فقال: يا ابابكر السنا على الحق و هم على الباطل؟ قال: يا ابن الخطاب، انه رسول الله (ص) و لن يضيِّعه الله ابدأ، فنزلت سورة الفتح.^١

٩. حذيفة بن يمان عيسى كوفى^٢ (متوفى ٣٦ ق ٦٥٤٦م) حذيفة بن يمان و يا حذيفة بن حَسَيْل بن يمان، ابو عبد الله عيسى كوفى، از اصحاب رسول الله (ص) و على بن ابى طالب (ع) كه از آنان حديث شنیده است. افرادی چون قيس بن ابى حازم، ابو وائل، زيد بن وهب، ابو ادريس خولانى، ربعى بن حراش، جابر بن عبد الله انصارى، عبد الرّحمان بن ابى ليلي، همام بن حارث، يزيد بن شريك تميمى و گروه ديگرى از او روايت کرده اند. او در كوفه اقامت داشت و هنگامى كه خبر بيعت مردم با على (ع) را شنيد، بيمار بود؛ به فرزندانش گفت: مرا به مسجد ببريد، و وقتى او را به مسجد بردند خطبه اى خواند، سپس مردم را به بيعت با على (ع) تشويق و ترغيب كرد و پس از آن گفت: خدايا تو شاهد باش كه من يا على (ع) بيعت كردم و پس از چهل روز، در مدائن چشم از جهان فرو بست.^٣ حضرت على (ع) درباره او و سلمان، مقداد، ابوذر و عمار فرموده است: زمين بر آنان تنگ شد و من امام آنان هستم و آنها بودند كه از فاطمه دختر پيامبر (ص) پشتيبانى كردند.

بخارى در كتابهاى علم، وضو، صلاة، مواقيت الصلاة، اذان، جمعه، تهجد، زكاة، صوم، بيوع، استقراض و اداء الديون، مظالم و غضب، جهاد، بدء الخلق، انبياء، مناقب، فضائل اصحاب النبى (ص)، مناقب انصار، مغازى، تفسير، فضائل القرآن، اطعمه، اشربه، لباس، ادب، استئذان، دعوات، رفاق، قدر، ايمان و نذور، ديانت، فتن، اخبار آحاد، اعتصام و توحيد صحيح خود، از او نقل حديث کرده است كه از آن جمله اين حديث است:

«حدثنا محمد بن كثير، قال: اخبرنا سفيان، عن منصور و حصين، عن ابى وائل، عن حذيفة، قال: كان النبى (ص) اذا قام من الليل يشوص فاه.»^٤

١٠. ابو هيثم كوفى^٥ (متوفى ٢١٣ ق ٨٢٨م)

خالد بن مخلد، ابو هيثم قطوانى بجلى كوفى. وى از سليمان بن بلال، مغيرة بن عبد الرّحمان و على بن مسهر، حديث شنیده و از

عبد الله بن عمر عمرى، محمد بن جعفر بن كثير، مالك، عبد الرّحمان بن ابى الموالى، اسحاق بن حازم مدنى و جمعى ديگر روايت کرده، و افرادى چون محمد بن عثمان بن كرامة، ابو بكر بن ابى شيبة، احمد بن عثمان بن حكيم اودى، صالح بن محمد بن يحيى بن سعيد قطان و گروه ديگرى از وى روايت کرده اند.

عجلى او را شيعه و ثقه دانسته و ابن سعد گويد: وى در شيعه گرى افراط مى كرد و ابن حجر او را صدوق و شيعه و از بزرگان طبقة دهم به شمار آورده است. ابونعيم او را كوفى مذهب، يعنى شيعه دانسته است. وى از شيوخ بخارى بوده و در محرم سال ٢١٣، در كوفه چشم از جهان فرو بست.

بخارى در كتابهاى علم و رمايه و موارد ديگر از او نقل حديث کرده است، كه از جمله اين حديث است:

«حدثنا خالد بن مخلد، حدثنا سليمان، حدثنا عبد الله بن دينار، عن ابن عمر، عن النبى (ص) قال: ان من الشجر شجرة لا يسقط ورقها و انها مثل المسلم، حدثونى ما هي؟ قال: فوقع الناس فى شجر البوادي، قال عبد الله: فوقع فى نفسى انها النخلة، ثم قالوا حدثنا ما هي يا رسول الله (ص) قال: هي النخلة.»^٦

١. صحيح بخارى، ٤٥/٥ (تفسير سورة ٥/٤٨، باب ٥).

٢. سند احمد بن حنبل، ٣٨٢/٥ - ٤٠٨؛ طبقات ابن سعد، ٥/٢٧٥؛ ٥/٢٦٤؛ ٣١٧/٧ تاريخ ابن معين، ١٠٤/٢؛ تاريخ الكبير بخارى، ٩٥/٣؛ معارف ابن قتيبة، ص ٢٤٣؛ ثقات ابن حبان، ٨٠/٣؛ الاستيعاب، ٢٧٧/١ - ٢٧٨؛ الجرح و التعديل، ٢٥٦/٣؛ معجم الكبير طبرانى، ١٨٥/٣ - ١٨٩؛ امد القافية، ٣٩٠/١ - ٣٩٢؛ تهذيب الكمال، ٤٩٥/٥ - ٥١٠؛ الكاشف، ١٥٢/١؛ سير اعلام النبلاء، ٣٦١/٢ - ٣٦٩؛ تهذيب التهذيب، ٢١٩/٢ - ٢٢٠؛ تقريب التهذيب، ١٥٦/١؛ الاصابة، ٣١٧/١ - ٣١٨؛ كتر العمال، ٣٣٣/١٣؛ رجال صحيح البخارى، ٢١٣/١ - ٢١٤ (رقم ٢٧٩)؛ رجال كشى، ص ٣٦، ٣٨، ٩٤، ٤٢٠؛ قاموس الرجال تسترى، ١٤١/٣ - ١٤٨؛ مروج الذهب مسعودى، ٣٨٣/٢ - ٣٨٤.

٣. مروج الذهب، ٣٨٣/٢ - ٣٨٤.

٤. صحيح بخارى، ٢١٤/١ (كتاب جمعه، باب ٨).

٥. طبقات ابن سعد، ٤٠٦/٦؛ المعبر ذهبي، ٣٤٤/١؛ تاريخ الكبير بخارى، ١٧٤/٣؛ تاريخ الثقات عجللى، ص ١٤١؛ الجرح و التعديل، ٣٥٤/٣؛ ثقات ابن حبان، ٢٢٤/٨؛ تاريخ اسماء الثقات ابن شاهين، ص ١١٦؛ تهذيب الكمال، ١٦٣/٨ - ١٦٧؛ ميزان الاعتدال، ٦٤٠/١؛ سير اعلام النبلاء، ٢١٧/١٠؛ تهذيب التهذيب، ١١٦/٣؛ تقريب التهذيب، ٢١٨/١؛ رجال صحيح البخارى، ٢٢٩/١ - ٢٣٠ (رقم ٣٠٤)؛ قاموس الرجال تسترى، ١٣٩/٤.

٦. صحيح بخارى، ٢٢/١ (كتاب العلم، باب ٥).

وابن حجر وی را ثقه و جلیل القدر شمرده است. خطیب بغدادی از قول عاصم نقل کرده که زر بن حبیش، علی را بسیار دوست می داشت و ابووائل عثمان را، و با این که همیشه با یکدیگر همنشینی داشتند، هیچ گاه با هم در این مورد سخن نمی گفتند.^۴ وی ۱۲۰ سال زیست و در سال ۸۲ هجری، چشم از جهان فرو بست.

بخاری در کتابهای بدء الخلق، تفسیر و موارد دیگری از او حدیث نقل کرده است؛ از آن جمله می توان به این حدیث اشاره کرد:

«حدَّثنا قتيبة، حدَّثنا ابو عوانه، حدَّثنا ابواسحاق شيباني، قال: سألت زَرَّ بن حَبِيش، عن قول الله تعالى: «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى»^۵ قال: حدَّثنا ابن مسعود، أنه رأى جبرئيل له ستمائة جناح.»^۶

۱۳. ابوبختری طائی کوفی^۷ (مقتول ۸۱ یا ۸۳ ق ۷۰۰/ یا ۷۰۲ م)

سعید بن ابی عمران فیروز، ابوبختری طائی کوفی که در اصل اهل

۱. تاریخ ابن معین، ۱۷۱/۲؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۴۵۰/۳؛ تاریخ خلیفه بن خیاط، ص ۳۵۴؛ طبقات خلیفه بن خیاط، ص ۱۶۲؛ الجرح و التعديل، ۶۲۳/۳؛ الإكمال ابن ماکولا، ۴۴۲/۷؛ میزان الاعتدال، ۶۶/۲؛ سير اعلام النبلاء، ۲۹۶/۵؛ تهذيب التهذيب، ۳۱۰-۳۱۱؛ تقريب التهذيب، ۲۵۷/۱؛ رجال صحيح البخاری، ۲۷۶/۱-۲۷۷ (رقم ۳۷۹)؛ قاموس الرجال تستری، ۴۰۶/۴.

۲. صحيح بخاری، ۱۷/۱-۱۸ (کتاب الايمان، باب ۳۶).

۳. طبقات ابن سعد، ۱۰۴/۶-۱۰۵؛ تاریخ ابن معین، ۱۷۲/۲؛ مسند احمد بن حنبل، ۱۲۹/۵؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۴۴۷/۳؛ تاریخ الثقات عجللی، ص ۱۶۵؛ معارف ابن قتیبه، ص ۴۲۷، ۴۲۹، ۵۳۰؛ الجرح و التعديل، ۶۲۲/۳؛ ثقات ابن حبان، ۲۶۹/۴؛ الاستیعاب، ۵۶۳/۲؛ اسد الغابة، ۳۰۰/۲؛ سير اعلام النبلاء، ۱۶۶/۴-۱۷۰؛ الاصابة، ۵۷۷/۱؛ تهذيب التهذيب، ۳۲۱/۳-۳۲۲؛ تقريب التهذيب، ۲۵۹/۱؛ رجال صحيح البخاری، ۲۷۴/۱-۲۷۵ (رقم ۳۷۵)؛ رجال طوسی، ص ۶۴؛ رجال حلی، ص ۷۶؛ رجال ابن داود، ص ۹۷؛ قاموس الرجال تستری، ۳۰۶/۴، ۴۱۳-۴۱۵؛ نقد الرجال تفرشی، ۲۵۳/۲-۲۵۴.

۴. تاریخ بغداد، ۲۷۰/۹.

۵. نجم: ۹-۱۰.

۶. صحيح بخاری، ۸۳/۴ (کتاب بدء الخلق، باب ۷).

۷. طبقات ابن سعد، ۲۹۲/۶-۲۹۳؛ تاریخ ابن معین، ۲۰۶/۲؛ طبقات خلیفه بن خیاط، ص ۱۵۴؛ السلال و معرفة الرجال احمد بن حنبل (رقم ۱۰۶۱ و ۲۸۴۲)؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۵۰۶/۳؛ تاریخ الثقات، ص ۴۹۰؛ الجرح و التعديل، ۵۴/۴؛ ثقات ابن حبان، ۲۸۶/۴؛ تهذيب الكمال، ۳۲۱/۱-۳۲۵؛ الكاشف، ۲۹۴/۱؛ سير اعلام النبلاء، ۲۷۹/۴-۲۸۰؛ تهذيب التهذيب، ۷۲/۴-۷۳؛ تقريب التهذيب، ۳۳۰/۱؛ رجال صحيح البخاری، ۲۸۹/۱-۲۹۰؛ رجال طوسی، ص ۱۰/۴۳؛ رجال برقی، ص ۶؛ منتهی المقال، ۳۴۲/۳؛ قاموس الرجال تستری، ۱۱۳/۵-۱۱۴.

۱۱. ابو عبدالرحمان یا ابو عبدالله یامی کوفی^۱ (متوفی ۱۲۲ یا ۱۲۴ ق ۷۴۰/ یا ۷۴۲ م)

زید بن حارث ابو عبدالرحمان یا ابو عبدالله یامی کوفی از تابعین که از ابووائل، شعبی، مجاهد، ابراهیم نخعی، سعد بن عبیده، مرّة بن شراحیل، عبدالرحمان بن ابی لیلی و عماره بن عمیر، حدیث شنیده و روایت کرده و افرادی مانند شعبه، ثوری، طلحة، جریر بن حازم، مسعر، منصور، مغیره، اعمش و نیز فرزندانش عبدالله و عبدالرحمان از وی روایت کرده اند.

ابن معین، ابوحاتم، نسائی، یعقوب بن سفیان، ابن سعد و عجللی او را توثیق نموده اند و ذهبی او را از ثقات تابعین دانسته و گفته است: «فيه تشيع» و ابن حجر او را در طبقه ششم و از موثقیین یاد کرده است.

جوزجانی او را از اهل کوفه دانسته و گفته است او جزو گروهی است که مذهبشان مورد قبول و ستایش مردم نیست و او از بزرگان محدثین کوفه است که به دلیل راستگویی، روایت از آنها نقل می کرده اند.

وی در ایام قیام زید بن علی بن الحسین (ع) در سال ۱۲۲ یا ۱۲۴ هجری درگذشته است.

بخاری در کتابهای ایمان، اضاحی و دیگر موارد از او حدیث نقل کرده، که از آن جمله این حدیث است:

«حدَّثنا محمد بن عرعة، حدَّثنا شعبة، عن زید، قال: سألت اباوائل عن المرجئة، فقال: حدَّثني عبدالله، ان النبي (ص) قال: سباب المسلم فسوق و قتاله كفر.»^۲

۱۲. زرّ بن حبیش اسدی کوفی^۳ (متوفی ۸۲ ق ۷۰۱/ م)

زرّ بن حبیش ابومریم و گفته اند ابومطرف اسدی کوفی، از اصحاب پیامبر اکرم (ص) و علی بن ابی طالب (ع) که از آنان حدیث شنیده و روایت کرده است. همچنین از عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، عثمان، عمار بن یاسر، حذیفه، ابوذر، عباس و گروهی دیگر حدیث شنیده و روایت نموده و افرادی چون ابن ابی لبابه، ابواسحاق شیبانی، ابراهیم نخعی، عاصم بن بهدله، منهل بن عمرو، عیسی بن عاصم، عدی بن ثابت، زید یامی و دیگران از او روایت کرده اند. طوسی او را از ثقات اصحاب امیرالمؤمنین (ع) به شمار آورده است.

ابن معین، ابن سعد، عجللی و احمد بن حنبل او را ثقه دانسته اند

یمن بود. وی از خواص اصحاب علی بن ابی طالب (ع) بود که در واقعه جمجم (یوم دجیل) در سال ۸۱ یا ۸۳ هجری کشته شد. او از علی بن ابی طالب (ع)، ابن عباس و ابن عمر حدیث شنیده و روایت نموده و عمرو بن مزه از او روایت کرده است. برقی او را از خواص حضرت علی (ع) و از اصحاب آن حضرت به شمار آورده است.

ابن حجر در هدی التاری گوید: بخاری یک حدیث از او نقل کرده و ابن معین و دیگران او را ثقه و حجت دانسته‌اند. در جای دیگری گوید: وی تمایلات شیعه‌گری داشت و ثقه و ثبت است.

بخاری در کتاب سلم از او حدیثی نقل کرده است: «حدَّثنا آدم، حدثنا شعبة، أخبرنا عمرو، قال: سمعت اباالبختری الطائنی، قال: سألت ابن عباس (رض) عن السَّلم فی النَّخل، قال: نهی النَّبی (ص) عن بیع النَّخل حتّی یؤکل منه و حتّی یوذّن، فقال الزُّجل: و ای شیء یوذّن؟ قال: رجل الی جانبه حتّی یحرّز، و قال معاذ: حدثنا شعبة عن عمرو، قال: ابوالبختری... مثله»^۱

۱۴. ابو عبیدالله جرّمی کوفی^۲ (متوفی ۲۳۰ ق / ۸۴۵ م)

سعید بن محمد ابو عبیدالله جرّمی کوفی، از شریک، عبدالرحمان بن عبدالملک بن ابجر (عبدالملک بن ابجر)، حاتم بن اسماعیل، عمرو بن ابی مقدم و عمرو بن عطیة العوفی، حدیث شنیده و روایت کرده است. کسانی مانند محمد بن یحیی، ابوزرعة، ابن ابی الدنیا، عبدالله بن احمد بن حنبل، ابراهیم حربی و بخاری از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند. احمد بن حنبل او را صدوق و ابوداود او را ثقه و دیگران او را شیعه دانسته‌اند. ابن حجر او را صدوق دانسته ولی گفته است: «رمی بالتشیع». خطیب بغدادی مطلبی را به او نسبت داده که هیچ شیعه‌ای چنین اعتقادی ندارد.

بخاری در کتابهای جهاد، خمس، مغازی و تعبیر، از او حدیث نقل کرده است، که از آن جمله می‌توان به این حدیث اشاره کرد:

«حدَّثنی سعید بن محمد ابو عبیدالله الجرّمی، حدثنا یعقوب بن ابراهیم، حدثنا ابی صالح، عن ابی عبیده بن نشیط، قال: قال

عبیدالله بن عبدالله: سألت عبدالله بن عباس (رض) عن رؤیاء رسول الله (ص) فقال ابن عباس: ذکر لی انّ رسول الله (ص) قال: بینا انا نائم رأیت انه وضع فی یدی سواران من ذهب، ففطعتهما و کرهتهما فأذن لی، فنفختهما فطارا فأولتهما کذّابین یخرجان، فقال عبیدالله: احدهما العنسی الذی قتلہ فیروز بالیمن و الآخر مسیلمة»^۳

۱۵. ابو محمد قرشی مخزومی مدنی^۴ (۹۳-۱۵ یا ۹۴ یا ۹۵ ق / ۶۳۶-۷۱۲ یا ۷۱۳ یا ۷۱۴ م)

سعید بن مسیب بن خزّان بن ابی وهب، ابو محمد قرشی مخزومی مدنی. از اصحاب علی بن ابی طالب (ع) که از آن حضرت حدیث شنیده و روایت کرده است. همچنین از پدرش مسیب و عثمان بن عفان، حکیم بن حزام، عبدالله بن عمرو، ابوهیرة، ابوسعید خدری و عایشه حدیث شنیده، و کسانی چون زهری، قتاده، عمرو بن مزه، طارق بن عبدالرحمان و دیگران از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند.

وی در سال ۱۵ هجری و در زمان خلافت عمر بن الخطاب چشم به جهان گشود و زیر نظر علی بن ابی طالب (ع) تربیت شد. گویند که جد وی خزّان به او توصیه کرد که همراه و در خدمت علی (ع) باشد. او بعدها در صف یاران و خواص اصحاب امام سجاد علی بن الحسین (ع) قرار گرفت. در تاریخ مرگ وی اختلاف است. ابونعیم مرگ او را در سال ۹۳ و ابن بکیر در ۹۴ یا ۹۵ هجری نوشته‌اند. او داماد ابوهیرة بود.

۱. صحیح بخاری، ۴۵۳ (کتاب السّلم، باب ۳ و ۴ و ۵).

۲. تهذیب الکمال، ۴۵/۱۱؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۵۱۴/۳؛ الجرح و التعذیل، ۵۹/۴؛ نفات ابن حبان، ۲۶۸/۸؛ سیر اعلام النبلاء، ۶۳۷/۱۰؛ الکاشف، ۳۷۱/۱؛ تهذیب التهذیب، ۷۶/۴ - ۷۷؛ میزان الاعتدال، ۱۵۷/۲؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۲۲۱ - ۲۳۰ ق)، ص ۱۸۳ - ۱۸۴؛ تقریب التهذیب، ۳۰۴/۱؛ رجال صحیح البخاری، ۲۹۱/۱ - ۲۹۲ (رقم ۴۰۱)؛ قاموس الرجال نستری، ۱۱۷/۵ - ۱۱۸.

۳. صحیح بخاری، ۸۱/۸ (کتاب التعبیر، باب ۳۸).

۴. طبقات ابن سعد، ۱۱۹/۵ - ۱۴۳؛ تاریخ ابن معین، ۲۰۷/۲ - ۲۰۸؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۵۱۰/۳ - ۵۱۱؛ معارف ابن قتیبه، ص ۴۳۷؛ الجرح و التعذیل، ۵۹/۴ - ۶۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۲۱۷/۴ - ۲۴۶؛ الکاشف، ۳۹۶/۱؛ تهذیب التهذیب، ۸۴/۴ - ۸۸؛ تقریب التهذیب، ۳۰۵/۱ - ۳۰۶؛ رجال صحیح البخاری، ۲۹۲/۱ (رقم ۴۰۲)؛ رجال کنی، ص ۱۰۷ - ۱۱۰؛ الکافی، ۴۷۲/۱؛ قاموس الرجال نستری، ۱۲۱/۵ - ۱۲۳؛ منتهی المقال، ۳۴۴/۳ - ۳۴۷؛ ریات الاعیان، ۱۱۷/۲.

و آخر را دریافت، و او از ما اهل بیت است.

بخاری در کتابهای جمعه، سجود القرآن، تهجد، صوم، بیوع، مناقب الانصار، تفسیر و ادب از او حدیث نقل کرده است، که از آن جمله می توان به این حدیث اشاره کرد:

«حدَّثنا عبدان، قال: اخبر ابو عبد الله، قال: اخبرنا ابن ابي ذئب، عن سعيد المقبري، عن ابيه، عن ابن وديعة، عن سلمان الفارسي، قال: قال رسول الله (ص): من اغتسل يوم الجمعة و تطهر بما استطاع من طهر ثم اذهن او مس من طيب، ثم راح فلم يفرق بين اثنين، فصلّى ما كتب له، ثم اذا خرج الامام انصت، غفر له ما بينه وبين الجمعة الاخرى.»^۳

۱۷. ابویحییٰ حضمی کوفی^۲ (متوفی ۱۲۱ یا ۱۲۲ یا ۱۳۱ ق / ۷۳۹ یا ۷۴۰ یا ۷۴۹ م)

سلمة بن كهيل بن حصين حضمي تميمي كوفي. از اصحاب، علی بن الحسین (ع)، محمد بن علی الباقر (ع) و جعفر بن محمد الصادق (ع) که از آنان حدیث شنیده و روایت کرده است. همچنین از کسانی مانند جندب بن عبدالله، ابوجحیفه، سويد بن غفله، شعبي و عطاء بن ابي رباح نیز حدیث شنیده و روایت نموده است. افرادی چون اسماعیل بن ابي خالد، شعبه، ثوری

۱. صحیح بخاری، ۱۹۷/۸ (کتاب التوحید، باب ۳۵).

۲. طبقات ابن سعد، ۷۵/۴ - ۹۳ - ۱۶/۶ - ۱۷؛ سند احمد بن حنبل، ۴۳۷/۵ - ۴۴۴؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱۳۵/۴ - ۱۳۶؛ معارف ابن قتیبه، ص ۲۷۰؛ الجرح و التمدیل، ۲۹۶/۴ - ۲۹۷ - معجم الکبیر طبرانی، ۲۶۰/۶ - ۳۰۵؛ الاستیعاب، ۵۶/۲ - ۵۶؛ امد الغابة، ۳۲۸/۲ - ۳۳۲؛ تاریخ بغداد، ۱۶۳/۱ - ۱۷۱؛ تهذیب الکمال، ۵۲۰/۱ - ۵۲۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۵۰۵/۱ - ۵۵۸؛ الکافی، ۳۰۴/۱؛ تاریخ الاسلام ذهبی (عهد خلفاء الراشدين)، ص ۵۱۰ - ۵۲۱؛ تهذیب التهذیب، ۱۳۷/۴ تا ۱۳۸؛ تقریب التهذیب، ۳۱۵/۱؛ الاصابة، ۶۲/۲؛ کنز العمال، ۴۲۱/۱۳؛ رجال صحیح البخاری، ۳۲۶/۱ (رقم ۴۵۶)؛ رجال شیخ طوسی، ص ۲۰، ۴۳؛ رجال کنی، ص ۱۲، ۱۶، ۱۸؛ به بعد؛ منتهی المقال، ۳۶۴/۳ - ۳۶۹.

۳. صحیح بخاری، ۲۱۸/۱ (کتاب الجمعة، باب ۱۹).

۴. طبقات ابن سعد، ۳۱۶/۶؛ تاریخ ابن معین، ۲۲۶/۲؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۷۴/۴؛ تاریخ الصغیر بخاری، ۳۱۱/۱؛ الجرح و التمدیل، ۱۷۰/۴؛ المعرفة و التاريخ، ۷۰۲/۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۲۹۸/۵؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۱۲۱ - ۱۴۰ ق)، ص ۱۲۰؛ تهذیب التهذیب، ۱۵۵/۴؛ تقریب التهذیب، ۳۱۸/۱؛ نقات ابن شاهین، ص ۱۰۲ (رقم ۴۷۴)؛ رجال صحیح البخاری، ۳۲۰/۱ - ۳۲۱ (رقم ۴۴۶)؛ رجال کنی، ص ۲۳۲، ۲۴۰؛ الکافی، ۳۹۹/۱؛ قاموس الرجال تستری، ۲۱۸/۵ - ۲۲۲؛ منتهی المقال، ۳۷۲/۳ - ۳۷۳؛ رجال طوسی، ص ۴۳، ۹۱، ۱۲۴، ۲۱۱؛ رجال بقرقی، ص ۴؛ رجال ابن داود، ص ۱۰۵؛ ۲۴۸.

عالمان و محدثان اسلامی به ستایش از او پرداخته اند و احادیث مرسل وی را پذیرفته اند، زیرا همگی او را توثیق کرده اند. ابن حجر گوید: وی یکی از علمای اثبات و از فقهای بزرگ و از بزرگان طبقه دوم و از تابعین است. ابن مدینی گوید: در میان تابعین کسی را عالمتر از او نیافتم. امام سجاد (ع) درباره او می فرماید: سعید بن مسیب داناترین مردم به آثار گذشته و فقیه ترین فرد زمان خود بود. امام رضا (ع) درباره او و قاسم بن محمد بن ابي بکر و ابو خالد کابلی گوید: از ثقات اصحاب علی بن الحسین (ع) بودند. ذهبی او را سید تابعین، ثقه، حجت و فقیه دانسته است.

بخاری در کتابهای علم، وضو، جزاء، حج، صوم، بیوع، استقراض و اداء الدیون، شهادت، شروط، بدء الخلق، انبیاء، مناقب، مغازی، تفسیر، نکاح، طلاق، ذبائح، مرض، طب، لباس، رفاق، ادب، ايمان و نذور، فتن، اعتصام و توحید از او حدیث نقل کرده، که یکی از آن احادیث به این شرح است:

«حدَّثنا الحمیدی، حدَّثنا سفیان، حدَّثنا الزُّهري، عن سعید بن المسيّب، عن ابي هريرة، قال: قال النبي (ص): قال الله تعالى: يؤذيني ابن آدم يسب الدهر و انا الدهر، بيدي الامر اقلب الليل و النهار.»^۱

۱۶. سلمان فارسی^۲ (متوفی ۳۷ ق / ۶۵۷ م)

سلمان الخیر ابو عبد الله فارسی، از بزرگان اصحاب رسول الله (ص) و از یاران باوفای علی بن ابي طالب (ع) که نیازی به تعریف و توصیف ندارد. وی در اصل اهل رامهرمز یا اصفهان است. او به مدینه آمد و عبد بنی قریضه بود و هنگامی که پیامبر اسلام (ص) به مدینه هجرت کرد، اسلام آورد و پیامبر (ص) او را آزاد ساخت و بعد از آن جزو اصحاب خاص پیامبر (ص) گردید. پس از پیامبر (ص) در شمار یاران و خواص اصحاب علی (ع) قرار گرفت و از طرف عمر بن الخطاب به حکومت مدائن منصوب شد و در همان جا در زمان خلافت عثمان، در سال ۳۷ هجری، چشم از جهان فرو بست.

او از پیامبر (ص) و علی بن ابي طالب (ع) حدیث شنیده و روایت کرده است. ابو عثمان نهدی در باب هجرت و عبد الله بن ودیعه در جمعه از او حدیث نقل کرده اند.

امام صادق (ع) درباره او فرموده است: سلمان، علم اول

و گروه زیادی از او حدیث نقل کرده‌اند.

احمد بن حنبل او را متقن و ابن معین وی را ثقة و عجللی نیز او را ثقة، ثبت و از ثقات کوفه دانسته که تمایلات شیعی‌گری داشته است. ابن سعد نیز او را ثقة و کثیر الحدیث به شمار آورده و ابوزرعه او را ثقة مأمون، و ابوحاتم وی را ثقة متقن دانسته‌اند و ابن شیبہ گفته است که او ثقة و ثبت است، با این‌که شیعه بوده است. نسائی نیز او را ثقة و ثبت شمرده و ابن حجر او را از طبقه چهارم به شمار آورده است.

بخاری در کتابهای بیوع، رقاق، اضاحی، وکالة، لقطه و دیگر مواضع از او حدیث نقل کرده، که یکی از آنها این حدیث است: «حدَّثنا آدم، حدَّثنا شعبه و حدَّثني محمد بن بشَّار، حدَّثنا عُنْدَر، حدَّثنا شعبه، عن سلمة، سمعت سويد بن غفلة، قال: لقيت ابي بن كعب (رض) عنه، فقال: اخذت صُرَّةَ مائة دينار، فاتيته النبي (ص) فقال: عرفها حولاً، فعرفتها حولها فلم اجد من يعرفها، ثم اتيتها، فقال: عرفها حولاً، فعرفتها، فلم اجد ثم اتيتها ثلاثاً، فقال: احفظ وعائها و عددها و وكائها، فان جاء صاحبها، و الا فاستمتع بها...»^۱

۱۸. ابومطرف خزاعی کوفی^۲ (مقتول ۹۷ ق / ۷۱۶م)

سلیمان بن صُرد بن جون بن منقذ بن ربیعة بن اصرم بن حرام خزاعی، ابومطرف کوفی. از اصحاب پیامبر اکرم (ص) که از آن حضرت و علی بن ابی طالب (ع)، حسن بن علی (ع)، ابی بن کعب و جیر بن مطعم، حدیث شنیده و روایت کرده است. افرادی چون اسحاق سبعی، یحیی بن یعمر، عدلی بن ثابت، عبدالله بن یسار جهنی و دیگران حدیث از او شنیده و روایت کرده‌اند.

ذهبی و دیگران او را به پارسایی، دینداری و صالح بودن ستوده‌اند. ابن عبدالبر نوشته است که وی از اخیار و فاضل بود و پیامبر (ص) او را سلیمان نامید و در کوفه ساکن شد و در میان قوم خود از مقام و جلالت و شرافت زیادی برخوردار بود.

جزری نوشته است که وی در همه مشاهد جمل، صفین و نهران علی را یاری کرد، اما برخی نوشته‌اند که در جنگ جمل حضور نداشت. او از جمله کوفیانی بود که به حسین بن علی (ع) نامه نوشت و به کوفه دعوت کرد، ولی خود به یاری

آن حضرت برنخاست و بعد پشیمان شد و توبه کرد و در کوفه قیام نمود و ریاست توأیین را به عهده گرفت، تا انتقام خون حسین بن علی (ع) را از قاتلان وی بازستاند و بالاخره در سال ۹۷ هجری به همراه مختار بن ابی عبیده تفتی کشته شد.

بخاری در کتابهای اذان، بدء الخلق، مغازی و ادب از او حدیث نقل کرده است، که به یکی از آنها اشاره می‌شود: «حدَّثنا ابو نعیم، حدَّثنا سفیان، عن ابی اسحاق، عن سلیمان بن صُرد، قال: قال النبي (ص): يوم الاحزاب نغزوهم و لا یغزوننا.»^۳

۱۹. ابومحمد اعمش کاهلی^۴ (۱۴۷ یا ۱۴۸ یا ۱۴۹ ق / ۶۸۱-۷۶۴ یا ۷۶۵ یا ۷۶۶م)

سلیمان بن مهران، ابومحمد اعمش اسدی کاهلی کوفی. از اصحاب امام صادق (ع). او از سعید بن جبیر، شعبی، ابراهیم، ابوانث، مجاهد و ابوصالح حدیث شنیده و روایت کرده است و کسانی مانند شعبه، ثوری، ابن عیینه، ابو عوانه حفص بن غیاث و جریر، از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند.

ابن معین، نسائی و دیگران او را موثق دانسته‌اند و ابن حجر او را ثقة، حافظ و عارف به قرائت به شمار آورده، ولی گفته است که او تدلیس می‌کرد و از طبقه پنجم بود. خطیب بغدادی از

۱. صحیح بخاری، ۹۲/۲ (کتاب اللقطه، باب ۱ و ۱۰).

۲. طبقات ابن سعد، ۲۹۲/۴؛ ۲۵/۶؛ مسند احمد بن حنبل، ۳۶۲/۴ و ۱۲۴/۵؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱/۴؛ الجرح و التعديل، ۱۲۳/۴؛ الاستیعاب، ۶۳/۲-۶۵؛ معجم الکبیر طبرانی، ۱۱۴/۷-۱۱۷؛ تاریخ بغداد، ۲۰۰/۱-۲۰۲؛ سیر اعلام النبلاء، ۳۹۴/۳-۳۹۵؛ امد الغایة، ۵۵۱/۲؛ تهذیب الکمال، ۴۵۷-۴۵۴/۱۱؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۶۱-۸۰ ق)، ص ۱۲۲-۱۲۳؛ تهذیب التهذیب، ۲۰۱-۲۰۰/۴؛ تقریب التهذیب، ۳۲۶/۱؛ الاصابة، ۷۵-۷۶؛ رجال صحیح البخاری، ۳۰۷/۱-۳۰۸ (رقم ۴۲۷)؛ رجال طوسی، ص ۲۰، ۳۸، ۴۳؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۶۹؛ منتهی المقال، ۳۹۹/۳؛ قاموس الرجال تستری، ۲۷۷/۵-۲۸۳؛ مصنفات شیخ مفید، ۱۰۸/۱ (جمل).

۳. صحیح بخاری، ۴۸/۵ (کتاب المغازی، باب ۲۹).

۴. طبقات ابن سعد، ۳۴۲/۶؛ تاریخ ابن معین، ۲۳۴/۲؛ طبقات خلیفه بن خیاط، ص ۱۶۴؛ تاریخ خلیفه بن خیاط، ص ۳۳۲، ۴۲۴؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۳۷/۴؛ الجرح و التعديل، ۱۴۶/۴؛ تاریخ بغداد، ۳/۹؛ سیر اعلام النبلاء، ۲۲۶/۶؛ تاریخ الاسلام (حوادث و وفیات ۱۴۱-۱۶۰ ق)، ص ۱۶۱-۱۶۷؛ میزان الاعتدال، ۲۲۴/۲؛ غایة النهایة، ۳۱۵/۱؛ تهذیب التهذیب، ۲۲۲/۴؛ تقریب التهذیب، ۳۳۱/۱؛ رجال صحیح البخاری، ۳۱۱/۱ (رقم ۴۳۲)؛ تهذیب الکمال، ۸۷/۱۲؛ منتهی المقال، ۴۰۳/۳؛ قاموس الرجال تستری، ۲۹۹-۲۹۷/۵؛ بخار الانوار، ۱۹۶/۳۹.

واهوری بیده قبل العراق: یخرج منه قوم یقرأون القرآن لایجاوز تراقیهم، یمرقون من الاسلام مروق السهم من الرمية.»^۳

۲۱. ابن ابی لیلیٰ انصاری کوفی^۴ (مقتول ۸۳ ق / ۷۰۲ م)

عبدالرحمان بن ابی لیلیٰ انصاری کوفی، ابو عیسیٰ یا ابو محمد فقیه مقری که در نام پدر وی اختلاف است، بعضی نام پدرش را یسار و برخی داود بن بلال مولی بنی عمرو بن عوف انصاری دانسته‌اند. وی از اصحاب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) بود که از آن حضرت حدیث شنیده و روایت کرده و گویا در مشاهد آن حضرت نیز شرکت داشته و از تابعین بزرگ به‌شمار می‌رود. او از عمر، ابن مسعود، ابوذر، ابی بن کعب، سهل بن حنیف، صهیب، قیس بن سعد بن عبادة، ابویوب، مقداد، براء بن عازب، ام‌هانی و معاذ، حدیث شنیده و روایت کرده است. مجاهد، عمرو بن مرّة، حکم، عبدالله بن عیسی بن عبدالرحمان نوّه خودش، عبدالملک بن عمیر و اعمش از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند. او خود گوید: ۱۲۰ تن از اصحاب پیامبر (ص) را که از انصار بودند، درک کردم.

حجاج بن یوسف ثقفی او را تازیانه زد، تا علی بن ابی طالب (ع) را لعن کند، ولی او با تدبیر از این دام جَست

۱. صحیح بخاری، ۱/۱۴ (کتاب الایمان، باب ۲۴).

۲. طبقات ابن سعد، ۴۷۱/۳ - ۴۷۲ - ۱۵/۶؛ مسند احمد بن حنبل، ۴۸۵/۳ - ۴۸۷؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۹۷/۴؛ معارف ابن قتیبه، ص ۲۹۱؛ الجرح و التعديل، ۱۹۵/۴؛ نقات ابن حبان، ۱۶۹/۳؛ الاستیعاب، ۱۹۲/۲؛ معجم الکبیر طبرانی، ۸۶/۶ - ۱۱۳؛ سیر اعلام النبلاء، ۳۲۵/۲ - ۳۲۹؛ امد القایة، ۳۶۴/۲ - ۳۶۵؛ تهذیب الکمال، ۵۵۷/۲؛ الکشاف، ۳۲۵/۱؛ الاصابة، ۸۷/۲؛ تهذیب التهذیب، ۲۵۱/۴؛ تقریب التهذیب، ۳۳۶/۱؛ کنز العمال، ۳۴۰/۱۳؛ رجال صحیح البخاری، ۳۲۲/۱ (رقم ۴۵۱)؛ رجال کنزی، ص ۳۸؛ رجال طوسی، ص ۴۳؛ منتهی المقال، ۴۲۴/۳؛ قاموس الرجال تستری، ۳۵۳/۵ - ۳۵۷.

۳. صحیح بخاری، ۵۳/۸ (کتاب استتابة المرتدین، باب ۷).

۴. طبقات ابن سعد، ۱۰۹/۶ - ۱۱۳؛ تاریخ ابن معین، ۲۵۶/۲ - ۲۵۷؛ تاریخ خلیفة بن خیاط، ص ۲۸۳، ۲۸۷، ۳۶۷ به بعد؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۳۶۸/۵ - ۳۶۹؛ تاریخ الثقات عجلی، ص ۲۹۸؛ المعرفة و التاریخ، ۲۲۴/۱، ۲۵۹، ۴۹۲ - ۲۲/۲، ۲۳، ۹۰ به بعد؛ الجرح و التعديل، ۳۰۱/۵؛ نقات ابن حبان، ۱۰۰/۵؛ تاریخ بغداد، ۱۹۹/۱۰ - ۲۰۰؛ سیر اعلام النبلاء، ۲۶۲/۴ - ۲۶۷؛ تهذیب الکمال، ۸۱۳/۲؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۸۱ - ۱۰۰ ق)، ص ۱۲۷ - ۱۲۹؛ الکشاف، ۱۶۲/۲؛ تذکرة الحفاظ، ۵۵/۱؛ تهذیب التهذیب، ۲۶۰/۶ - ۲۶۲؛ تقریب التهذیب، ۴۹۶/۱؛ الاصابة، ۴۲۰/۲؛ رجال صحیح البخاری، ۴۵۹/۱ - ۴۶۰ (رقم ۶۸۸)؛ رجال طوسی، ص ۴۸؛ رجال کنزی، ص ۱۰۱؛ منتهی المقال، ۹۴/۴ - ۹۵؛ قاموس الرجال تستری، ۸۳/۶ - ۸۵.

عجلی نقل کرده که سلیمان بن مهران ثقة بود و در زمان خود، محدث اهل کوفه به‌شمار می‌رفت و گفته‌اند که چهار هزار حدیث از او نقل شده است. سپس اضافه کرده که او تمایلات شیعی داشت و پدر وی، مهران، در واقعه کربلا همراه حسین بن علی (ع) بود.

بخاری در کتابهای ایمان، جنائز، بیوع، جزیه، تفسیر، ذبائح، اشربه، ادب، ایمان و نذور و اعتصام از او حدیث نقل کرده، که این حدیث از آن جمله است:

«حدَّثنا قبيصة بن عقبة، قال: حدثنا سفیان، عن الاعمش، عن عبدالله بن مرّة، عن مسروق، عن عبدالله بن عمرو، انّ النبی (ص) قال: اربع من كنّ فيهِ كان منافقاً خالصاً و من كانت فيهِ خصلة منها كنّ فيهِ خصلة من النفاق، حتّى يدعها: اذا ائتمن خان و اذا حدث كذب و اذا عاهد غدر و اذا خاصم فجر. تابعه شعبة عن الاعمش.»^۱

۲۰. سهل بن حنیف انصاری کوفی اوسی^۲ (متوفی ۳۸ ق / ۶۵۸ م)

سهل بن حنیف بن واهب بن العکیم بن ثعلبة انصاری کوفی اوسی که کنیه او را ابوثابت، ابوسعید، ابو عبدالله و ابوالولید نوشته‌اند. از اصحاب رسول الله (ص) که در جنگ بدر نیز شرکت داشته است. او از اصحاب علی بن ابی طالب (ع) نیز شمرده می‌شود و حضرت علی (ع) او را به حکومت مدینه منصوب کرد و آن‌گاه که در سال ۳۸ هجری، در کوفه چشم از جهان فرو بست، حضرت علی (ع) بر او نماز خواند، و در نماز بر او، ۲۵ تکبیر گفت.

افرادی چون ابوامامه، فرزند او، ابوائل و عبدالرحمان بن ابی لیلیٰ از او حدیث نقل کرده‌اند. ابن سعد نوشته است که پیامبر (ص) بین سهل بن حنیف و علی بن ابی طالب (ع) عقد اخوت بست.

بخاری در کتابهای جنائز، صلح، جزیه، مغازی، تفسیر، ادب، استتابة المرتدین و اعتصام از او حدیث نقل کرده، که از آن جمله می‌توان به این حدیث اشاره کرد:

«حدَّثنا موسى بن اسماعيل، حدثنا عبدالواحد، حدثنا الشيباني، حدثنا يسير بن عمرو، قال: قلت لسهل بن حنیف: هل سمعت النبی (ص) يقول فی الخوارج شيئاً؟ قال: سمعته يقول

و عاقبت در واقعه جماجم کشته شد و به قولی در شط بصره غرق گردید.

بخاری در کتابهای تقصیر الصلاة، تهجد، جنائز، صوم، انبیاء، فضائل اصحاب النبى (ص)، مناقب الانصار، مغازی، تفسیر، اطعمه، اشربه، لباس و دعوات از او حدیث نقل کرده، که یکی از آنها این حدیث است:

«حدَّثنا حفص بن عمر، قال حدَّثنا شعبه، عن عمرو، عن ابن ابی لیلی، قال: ما انبأنا احد انه رأى النبى (ص) صَلَّى الضحى غیر امهانی، ذكرت ان النبى (ص) يوم فتح مكة اغتسل فی بیتها فضلی ثمان ركعات، فما رأیته صَلَّى صلاة اخف منها غیر انه یتَم الركوع والسجود.»^۱

۲۲. ابوبکر حمیری صنعانی یمنی^۲ (متوفی ۲۱۱ ق / ۸۲۶ م)

عبدالرزاق بن همام بن نافع، ابوبکر حمیری صنعانی یمنی، از اصحاب امام صادق (ع) و امام جواد (ع) که از آنان حدیث شنیده و روایت کرده است. همچنین از پدر خود و معمر، عبدالله بن سعید بن ابی هند، عبدالله بن عمر، ابن جریج، اوزاعی، عکرمه بن عمار، سفیان ثوری، مالک و جمع دیگری، حدیث شنیده و روایت کرده است.

معمر بن سلیمان و سفیان بن عیینه، ابواسامه، احمد بن حنبل، ابن معین، محمد بن رافع و گروه بسیاری از او روایت کرده‌اند.

از احمد بن حنبل پرسیدند که بهتر از عبدالرزاق دیده‌ای؟ گفت: خیر؛ و هشام بن یوسف گوید: عبدالرزاق داناتر و حافظ‌تر از ما بود؛ و ابن حبان او را در ثقات خود آورده است؛ و ذهبی گوید: عبدالرزاق راویة الاسلام و صدوق است و به احادیث او در صحاح احتجاج شده است. ابن حجر گوید: وی حافظ، ثقة، مصنف مشهور و در طبقه نهم قرار دارد که تمایلات شیعی داشت. وی در ۸۵ سالگی، در ۲۱۱ هجری، چشم از جهان فرو بست.

او دارای آثار و تألیفاتی است؛ از جمله کتاب مصنف او مشهور است، که به چاپ رسیده است.

بخاری در کتابهای وضو، غسل، صلاة و دیگر کتب صحیح خود، از او حدیث نقل کرده، که از آن جمله می‌توان به این

حدیث اشاره نمود:

«حدَّثنا اسحاق بن نصر، قال: حدَّثنا عبدالرزاق، قال: اخبرنا ابن جریج، عن عطاء، قال: سمعت ابن عباس، قال: لما دخل النبى (ص) البيت دعا فی نواحیه كلها و لم یصل حتی خرج منه، فلما خرج ركع ركعتین من قبل الكعبة و قال: هذه القبلة.»^۳

۲۳. ابوجعفر هاشمی مدنی^۴ (متوفی ۹۰ ق / ۷۰۹ م)

عبدالله بن جعفر بن ابی طالب بن عبدالمطلب، ابوجعفر هاشمی مدنی. از اصحاب رسول الله (ص) و علی بن ابی طالب (ع) که از آنان حدیث شنیده و روایت کرده است. همچنین او از اصحاب حسن بن علی (ع) و حسین بن علی (ع) و علی بن حسین (ع) بوده و از آنان حدیث شنیده و روایت نموده است. عروة بن زبیر، سعد بن ابراهیم و جمعی دیگر از او روایت کرده‌اند. وی داماد علی بن ابی طالب (ع) و همسر زینب کبری بود. مادر او اسماء بنت عمیس ختیمی بود و در سال اول هجرت، چشم به جهان گشود و کودکی بود که با پیامبر اسلام (ص) بیعت کرد. برخی سال مرگ او را هشتاد هجری هم نوشته‌اند، ولی صحیح همان سال نود هجری است.

بخاری در کتابهای عتق، جهاد، فرض الخمس، فضائل

۱. صحیح بخاری، ۳۸/۲ (کتاب تقصیر الصلاة، باب ۱۲).

۲. طبقات ابن سعد، ۵۴۸/۵؛ تاریخ ابن معین، ۳۶۲/۲ - ۳۶۴؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱۳۰/۶؛ تاریخ الثقات عجللی، ص ۳۰۲؛ معارف ابن قتیبه، ص ۵۰۶، ۶۲۴؛ الجرح و التعذیل، ۳۸/۶ - ۳۹؛ ثقات ابن حبان، ۴۱۴/۸؛ میزان الاعتدال، ۶۰۹/۲ - ۶۱۴؛ سیر اعلام النبلاء، ۵۶۳/۹ - ۵۸۰؛ الکاشف، ۱۷۱/۲؛ تهذیب التهذیب، ۳۱۰/۶ - ۳۱۵؛ تفریب التهذیب، ۵۰۵/۱؛ لسان المیزان، ۲۸۷/۷؛ رجال صحیح البخاری، ۴۹۶/۱ - ۴۹۷؛ تاریخ اسماء الثقات ابن شاهین، ص ۱۸۰؛ رجال طوسی، ص ۴۶۷؛ الکامل ابن اثیر، ۴۰۶/۶؛ منتهی المقال، ۱۲۱/۴ - ۱۲۲؛ رجال نجاشی، ص ۳۷۹؛ قاموس الرجال تستری، ۱۵۴/۶ - ۱۵۷؛ اصول الکافی، ۱۳۰/۲، ۳۱۶، ۳۲۰.

۳. صحیح بخاری، ۱۰۴/۱ (کتاب الصلاة، باب ۳۰).

۴. طبقات خلیفة بن خیاط، ص ۱۲۶، ۱۸۹؛ مسند احمد بن حنبل، ۲۰۳/۱؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۷/۵؛ تاریخ الثقات عجللی، ص ۲۵۱ - ۲۵۲؛ ثقات ابن حبان، ۲۰۷/۳؛ معارف ابن قتیبه، ص ۲۰۵ - ۲۰۸، ۲۱۱، ۳۷۹، ۴۶۱؛ الجرح و التعذیل، ۳۱/۵؛ الاستیعاب، ۲۷۵/۲ - ۲۷۷؛ اند الفیفة، ۱۳۹/۳؛ تهذیب الکمال، ۳۶۷/۱۴ - ۳۷۲؛ سیر اعلام النبلاء، ۴۵۶/۳ - ۴۶۲؛ الکاشف، ۶۹/۲؛ تهذیب التهذیب، ۱۷۰/۵ - ۱۷۱؛ تفریب التهذیب، ۴۰۶/۱؛ الاصابة، ۲۸۹/۲ - ۲۹۰؛ رجال صحیح البخاری، ۳۸۶/۱ - ۳۸۷؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۶۱ - ۸۰)، ص ۴۲۸ - ۴۳۲؛ رجال طوسی، ص ۲۳، ۴۶، ۶۹، ۹۷؛ منتهی المقال، ۱۶۷/۴؛ قاموس الرجال تستری، ۲۸۳/۶ - ۲۸۹.

رسول الله (ص) فاذا فيه من حاطب بن ابي بلتعَة الى اناس من المشركين من اهل مكة...^۲

۲۵. عدی بن ثابت انصاری کوفی^۳ (متوفی ۱۱۶ ق / ۷۳۴م)

عدی بن ابان بن ثابت بن قیس بن خطیم انصاری ظفری کوفی. از پدر و جدّ مادری خود عبدالله بن یزید خطمی، سلیمان بن صرد خزاعی و براء بن عازب حدیث شنیده و روایت کرده است و یحیی بن سعید انصاری، اعمش، مسعر، شعبه و دیگران از او حدیث شنیده و روایت کرده اند.

دارقطنی او را رافضی غال و ثقة دانسته و ابن حجر در هدی السناری گوید: تابعی مشهور و ثقة است، و احمد، نسائی و عجلّی نیز او را ثقة دانسته اند، ولی گفته اند که در شیعه گری غلو می کرد. ابوحاتم او را صدوق دانسته و نوشته است که وی امام مسجد شیعه بود و ابن حجر در تقریب ضمن این که او را رمی به تشیع کرده، وی را از طبقه چهارم دانسته است. ذهبی نیز او را عالم شیعه دانسته است.

بخاری در کتابهای ایمان، صلاة، ادب، بدء الخلق، ذبائح و دیگر موارد از او حدیث نقل کرده است، که از آن جمله می توان به این حدیث اشاره کرد:

۱. صحیح بخاری، ۲۱۰/۶ (کتاب اطعمه، باب ۳۹)، ص ۲۱۲ (باب ۴۵، و ۴۷).

۲. تاریخ ابن معین، ۳۸۲/۲؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۳۸۱/۵؛ معارف ابن قتیبه، ص ۱۴۵؛ طبقات خلیفه بن خنیط، ص ۲۳۱، ۲۳۹؛ تاریخ خلیفه بن خنیط، ص ۲۰۰؛ الجرح و التعديل، ۳۰۷/۵؛ الفهرست طوسی، ص ۱۰۷؛ رجال طوسی، ص ۴۷؛ طبقات ابن سعد، ۲۸۲/۵؛ المعرفة و التاريخ، ۳۶۰/۱، ۴۱۹، ۶۴۱؛ ۸۱۱/۲ و ۳۹۲/۳؛ سنن ترمذی، ۳۷/۳؛ ثقات ابن حبان، ۶۸/۵؛ تاریخ بغداد، ۳۰۴/۱۰؛ تهذیب الکمال، ۳۴-۳۶؛ الکشاف، ۱۹۷/۲؛ تهذیب التهذیب، ۱۰۷؛ تقریب التهذیب، ۵۳۲/۱؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۸۱-۱۰۰ ق)، ص ۴۲۱؛ رجال صحیح البخاری، ۴۶۲/۱ (رقم ۶۹۳)؛ منتهی المقال، ۲۸۱/۴-۲۸۲؛ رجال برقی، ص ۴.

۳. صحیح بخاری، ۱۹/۴ (کتاب الجهاد و السیر، باب ۱۴۱)، ۶۱/۶ (کتاب تفسیر القرآن، سورة الممتحنة، باب ۱).

۴. طبقات خلیفه بن خنیط، ص ۱۶۱؛ تاریخ خلیفه بن خنیط، ص ۵۶۱؛ تاریخ ابن معین، ۳۹۷/۲؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۴۴/۷؛ تاریخ الثقات عجلّی، ص ۳۳۰؛ الجرح و التعديل، ۲/۷؛ ثقات ابن حبان، ۲۷۰/۵؛ میر اعلام النبلاء، ۱۸۸/۵-۱۸۹؛ تهذیب الکمال، ۵۲۲/۱۹-۵۲۴؛ میزان الاعتدال، ۶۱/۳-۶۲؛ الکشاف، ۲۲۶/۲؛ تهذیب التهذیب، ۱۶۸/۷-۱۶۹؛ تقریب التهذیب، ۱۰۶/۲؛ رجال صحیح البخاری، ۵۸۹/۲-۵۹۰ (رقم ۹۳۲)؛ قاموس الرجال تستری، ۱۸۰/۷؛ هدی السناری، ص ۴۲۴.

اصحاب النبى (ص)، مغازی، نکاح، اطعمه و فتن حدیث نقل کرده، که این حدیث از آن جمله است:

«حدثنا عبدالعزيز بن عبدالله، قال: حدثني ابراهيم بن سعد، عن ابيه، عن عبدالله بن جعفر بن ابي طالب (رض)، قال: رأيت رسول الله (ص) يأكل الرطب بالقتاء.»^۱

۲۴. ابن ابی رافع مدنی^۲ (متوفی پس از ۱۰۰ ق / ۷۱۹م)

عبدالله بن ابی رافع مدنی از تابعین و از اصحاب علی بن ابی طالب (ع) که از آن حضرت روایت کرده و کاتب آن حضرت بوده است. همچنین از پدر خود و ابی هریره و شقران مولی النبى (ص) و مادر خود ام رافع حدیث شنیده و روایت کرده است. ابراهیم، پسر وی، بسر بن سعید، جعفر بن محمد بن علی بن الحسین (ع)، حسن بن محمد بن حنفیه، حکم بن عتیبه، زید بن علی بن الحسین (ع)، محمد بن مسلم بن شهاب زهری، محمد بن منکدر، معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب و جمعی دیگر از او حدیث شنیده و روایت کرده اند. ابن سعد او را در طبقه دوم از اهل مدینه آورده و نوشته است که از علی بن ابی طالب (ع) روایت نموده و برای او کتابت می کرده است. ابوحاتم و خطیب بغدادی او را ثقة دانسته اند و ابن حبان او را در ثقات آورده است.

وی کتاب قضایا امیر المؤمنین (ع) و کتاب تسمیه من شهد مع امیر المؤمنین (ع) الجمل و صفین و النهروان من الصحابة را نوشته است و در مشاهد علی (ع) شرکت داشته و از خواص اصحاب آن حضرت بوده است.

بخاری در کتابهای جهاد، تفسیر و دیگر مواضع، از او حدیث نقل کرده، که می توان به این حدیث اشاره کرد:

«حدثنا علي بن عبدالله، حدثنا سفیان، حدثنا عمرو بن دينار، سمعته مرتين، قال: اخبرني حسن بن محمد، اخبرني عبيدالله بن ابي رافع، قال: سمعت علياً (رضي الله عنه)، يقول: بعثني رسول الله (ص) انا و الزبير و المقداد، قال: انطلقوا حتى تاتوا روضة خاخ فان بها ظعينة و معها كتاب فخذوه منها، فانطلقنا تعادى بنا خيلنا حتى انتهينا الى الروضة، فاذا نحن بالظعينة، فقلنا: اخرجي الكتاب، فقالت: ما معي من كتاب، فقلنا: لتخرجي الكتاب او لنلقين الثياب، فاخرجته من عقاصها، فاتي بنا به

«حدَّثنا حجاج بن منهال، قال: حدثنا شعبة، قال: اخبرني عدی بن ثابت، قال: سمعت عبدالله بن يزيد، عن ابن مسعود، عن النبی (ص)، قال: اذا انفق الرجل علی اهله یحتسبها فهو له صدقة.»^۱

۲۶. ابو طریف طائی کوفی^۲ (متوفی ۶۷ یا ۶۸ ق / ۶۸۶ یا ۶۸۷ م)

عدی بن حاتم بن عبدالله بن سعد بن حشرج بن امرئ القیس بن عدی، ابو طریف طائی. از اصحاب رسول الله (ص) و علی بن ابی طالب (ع) که از آنان حدیث شنیده و روایت کرده است. شعبی، مُجَلِّ بن خلیفه طائی، سعید بن جبیر، همام بن حارث، ابواسحاق سیعی و دیگران از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند. او در سال هفتم هجری بر پیامبر اکرم (ص) وارد شد و پیامبر (ص) او را گرامی داشت. او سید قوم خود بود. پس از پیامبر اسلام، جزو یاران خاص حضرت علی (ع) درآمد و در کوفه ساکن شد و در جنگ جمل و صفین، همراه علی (ع) بود و حضرت علی او را دوست می‌داشت و پس از او از اصحاب حسن بن علی (ع) شد و مواضع آن حضرت را در جنگ و صلح پذیرفت.

ابن حجر درباره وی گفته است: او صحابی مشهور و از کسانی است که در جریان رده در اسلام ثابت قدم ماند و در فتوح عراق و جنگهای جمل، صفین و نهروان به علی (ع) کمک کرد.

بخاری در کتابهای وضو، زکاة، صوم، بیوع، مناقب، مغازی، تفسیر، ذبائح، ادب، رفاق و توحید از او حدیث نقل کرده، که از آن جمله این حدیث است:

«حدَّثنا حفص بن عمر، قال: حدثنا شعبة، عن ابن ابی السَّفر، عن الشعبي، عن عدی بن حاتم، قال: سألت النبی (ص)، فقال: اذا ارسلت کلبک المَعْلَمَ فقتل فکل و اذا اکل فلا تأکل، فانما امسک علی نفسه، قلت ارسل کلبی فاجد معه کلباً آخر، قال: فلا تأکل، فانما سمیت علی کلبک و لم تُسم علی کلب آخر.»^۳

۲۷. ابویقظان کنانی مدحجی عنسی قحطانی^۴ (شهید ۳۷ ق / ۶۵۷ م)

عمار بن یاسر بن عامر کنانی مدحجی عنسی قحطانی، صحابی جلیل‌القدر و از سابقین در اسلام، ابویقظان قرشی مخزومی که

در جنگ بدر و سایر غزوات پیامبر (ص) حضور داشت و از پیامبر (ص) حدیث شنیده و روایت کرده است. وی از بزرگترین و وفادارترین اصحاب علی (ع) بود که در جنگ جمل و صفین حضور داشت و علی (ع) را یاری کرد و به فرموده پیامبر (ص) به دست فئه باغیه (سپاه معاویه) شربت شهادت نوشید.^۱

عبدالرحمان بن ابزی، ابوائل و همام از او روایت کرده‌اند. وی در جنگ صفین در سال ۳۷ هجری، در ۹۳ سالگی، چشم از جهان فرو بست. شرح حال و فضائل و مناقب او به اندازه‌ای مشهور است که نیازی به شرح و بیان ندارد.

بخاری در کتابهای ایمان، تیمم، صلاة، اذان، تهجد، صوم، بیوع، جهاد، بدء الخلق، فضائل اصحاب النبی (ص)، مناقب الانصار، تفسیر، استئذان و فتن، از او نام برده و حدیث نقل کرده، که یکی از آنها این حدیث است:

«... قال عمار: ثلاث من جمعهن فقد جمع الايمان: الانصاف من نفسك و بذل السلام للعالم و الانفاق من الاقار.»^۵

۱. صحیح بخاری، ۲۰/۱ (کتاب الایمان، باب ۴۱).

۲. طبقات ابن سعد، ۲۲/۶؛ معارف ابن قتیبه، ص ۳۱۳؛ مستد احمد بن حنبل، ۲۵۵/۴ و ۳۷۷؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۴۳/۷؛ الجرح و التعذیل، ۲/۷؛ الاستیعاب، ۱۴۱/۳ - ۱۴۳؛ تاریخ بغداد، ۱۸۹/۱ - ۱۹۱؛ اسد الغابة، ۳۹۲/۳؛ سیر اعلام النبلاء، ۱۶۲/۳ - ۱۶۵؛ تهذیب الکمال، ۵۲۴/۱۹ - ۵۳۱؛ الکافی، ۲۲۶/۲ - ۲۲۷؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۶۱ - ۸۱ ق)، ص ۱۸۲ - ۱۸۵؛ معجم الکبیر طبرانی، ۶۸/۱۷ - ۱۰۶؛ تهذیب التهذیب، ۱۶۶/۷ - ۱۶۷؛ تقرب التهذیب، ۱۶/۲؛ الاصابة، ۴۶۸/۲ - ۴۶۹؛ رجال صحیح البخاری، ۵۸۹/۲ (رقم ۹۳۱)؛ رجال کئی، ص ۳۸؛ قاموس الرجال تستری، ۱۸۱/۷ - ۱۸۶؛ منتهی المقال، ۳۰۳/۴ - ۳۰۴؛ رجال طوسی، ص ۴۹؛ معجم رجال الحدیث، ۱۳۴/۱۱.

۳. صحیح بخاری، ۵۱/۱ (کتاب الوضوء، باب ۳۳).

۴. طبقات ابن سعد، ۲۴۶/۳ - ۲۶۴؛ ۱۴/۶؛ مستد احمد بن حنبل، ۲۶۲/۴ - ۲۶۵؛ ۳۱۹ - ۳۲۱؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۲۵/۷ - ۲۶؛ معارف ابن قتیبه، ص ۱۰۵، ۱۵۷، ۲۵۶، ۲۵۸، ۵۵۰، ۵۸۴؛ الاستیعاب، ۴۷۶/۲ - ۴۸۱؛ الجرح و التعذیل، ۳۸۹/۶؛ تاریخ بغداد، ۱۵۰/۱ - ۱۵۳؛ سیر اعلام النبلاء، ۴۰۶/۱ - ۴۲۸؛ اسد الغابة، ۲۳/۴ - ۴۷؛ تهذیب الکمال، ۲۱۵/۲۱ - ۲۲۷؛ الکافی، ۲۶۱/۲؛ تهذیب التهذیب، ۴۰۸/۷ - ۴۱۰؛ تقرب التهذیب، ۴۸/۲؛ الاصابة، ۵۱۲/۲ - ۵۱۳؛ کز العمال، ۵۲۶/۱۳؛ رجال صحیح البخاری، ۵۹۱/۲ - ۵۹۲ (رقم ۹۳۷)؛ رجال طوسی، ص ۲۴، ۴۶؛ رجال برقی، ص ۱ - ۴؛ رجال کئی، ص ۶، ۲۹، ۳۴، ۶۳؛ منتهی المقال، ۹۴/۵ - ۹۵؛ معجم رجال الحدیث، ۲۶۵/۱۲ - ۲۷۱.

۵. صحیح بخاری، ۱۲/۱۰ (کتاب الایمان، باب ۲۰).

وی مورد عنایت، لطف و محبت فراوان پدر خود بود و در جنگ جمل، صفین و نهروان همراه وی شرکت کرد و پس از آن نیز از برادران خود امام حسن و امام حسین (ع) اطاعت نمود و پس از واقعه عاشورا نیز به امامت علی بن الحسین (ع) گردن نهاد. در منابع اهل سنت او را تابعی، ثقة، صالح و از افاضل اهل بیت دانسته‌اند و احمد بن حنبل و ابن معین او را مؤثق خوانده‌اند، ولی نوشته‌اند وی شیعه و قلیل الحدیث است.

او کسی بود که وقتی نامه هشام بن عبدالملک به مدینه رسید و در آن نامه هشام دستور داده بود که علی بن ابی طالب (ع) را دشنام دهند، در جواب این شعر را گفت:

لعن الله من سبَّ علياً
و حسيئاً من سوقه و امام

در منابع شیعی نیز از او به نیکی یاد شده است.

بخاری در کتابهای فرض الخمس، فضائل القرآن و حیل از او حدیث نقل کرده، که یکی از آنها این حدیث است:

«قال الحمیدی، حدثنا سفیان، حدثنا محمد بن سقوة، قال: سمعت منذراً الثوری، عن ابن الحنفیة، قال: ارسلنی ابی، أخذ هذا الكتاب، فأذهب به الی عثمان، فإنّ فيه امر النبی (ص) فی الصدقة.»^۴

۱. طبقات ابن سعد، ۱۸۷/۵ - ۱۹۴؛ تاریخ ابن معین، ۴۸۲/۲؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱۵۷/۵؛ تاریخ الثقات عجللی، ص ۳۸۷؛ معارف ابن قتیبه، ص ۱۷۵، ۱۷۸، ۵۸۸؛ الجرح و التعديل، ۱۸۷/۱؛ وفيات الاعیان، ۵۹/۴ - ۶۰؛ سير اعلام النبلاء، ۵۳/۵ - ۶۰؛ تهذيب الکمال، ۴۲۷/۲۳؛ الکاشف، ۳۳۸/۲؛ تهذيب التهذيب، ۳۳۳/۸ - ۳۳۵؛ تقريب التهذيب، ۱۲۰/۲؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفيات ۱۰۱ - ۱۲۰ ق)، ص ۲۱۷ - ۲۲۳؛ رجال صحيح البخاری، ۶۱۶/۲ (رقم ۹۷۸)؛ رجال طوسی، ص ۱۰۰، ۱۳۳؛ رجال ابن داود، ص ۱۵۳؛ اصول الکافی، ۳۹۳/۱؛ منتهی المقال، ۲۳۰/۵؛ معجم رجال الحدیث، ۴۵/۴ - ۴۶.

۲. صحيح بخاری، ۶۵/۷ (کتاب اللباس، باب ۹۱).

۳. طبقات ابن سعد، ۹۱/۵ - ۱۱۶؛ تاریخ ابن معین، ۵۳۱/۲ - ۵۳۳؛ معارف ابن قتیبه، ص ۲۱۶؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱۸۲/۱؛ تاریخ الثقات عجللی، ص ۴۱۰؛ الجرح و التعديل، ۲۶/۸؛ سير اعلام النبلاء، ۱۱۰/۴ - ۱۲۹؛ الکاشف، ۷۱۳؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفيات ۸۱ - ۱۰۰ ق)، ص ۱۸۱ - ۱۹۳؛ المعرقة و التاريخ، ۵۴۴/۱؛ تهذيب التهذيب، ۳۵۴/۹ - ۳۵۵؛ تقريب التهذيب، ۱۹۲/۲؛ رجال صحيح البخاری، ۶۶۷/۲ - ۶۶۸ (رقم ۱۰۷۸)؛ الوافی بالوفیات، ۹۹/۴ - ۱۰۵؛ معجم رجال الحدیث، ۴۸/۱۶ - ۵۱؛ اصول الکافی، ۸۱/۱ (کتاب الحجّة، حدیث ۵).

۴. صحيح بخاری، ۴۸/۴ (کتاب فرض الخمس، باب ۵).

۲۸. ابو محمد یا ابو عبدالرحمان قرشی تیمی مدنی^۱ (متوفی ۱۰۱ یا ۱۰۲ ق/ ۷۱۹ یا ۷۲۰ م)

قاسم بن محمد بن ابی بکر بن ابی قحافة، ابو محمد و یا ابو عبدالرحمان قرشی تیمی مدنی، از تابعین و از اصحاب علی بن الحسین السجاد (ع)، محمد بن علی الباقر (ع) و جعفر بن محمد الصادق (ع) و از فقهای بزرگ شیعه در مدینه بوده است و از این سه امام شیعی حدیث شنیده و روایت کرده و همچنین از عمه خود، عایشه، ابن عمر، عبدالرحمان و محمد، فرزندان یزید بن جاریه و عبدالله بن حباب نیز حدیث شنیده و روایت کرده است. زهری، نافع، ابن ابی ملیکه، یحیی بن سعید، ربیع، عبدالله بن عون، ایمن بن نابل، حنظلة و جمعی دیگر از او حدیث نقل کرده‌اند.

ابن معین، ابن سعد، عجللی و دیگران او را توثیق کرده‌اند، و ابن حجر نیز نوشته است که وی یکی از فقهای مدینه بوده و ایوب گفته است: فاضلتر از او ندیدم.

وی پسر خاله علی بن الحسین السجاد (ع) و جد مادری جعفر بن محمد الصادق (ع) بوده است.

بخاری در کتابهای اذان، حج، عمره، صوم، الحرث و المزارعة، هبه، شهادات، فضائل اصحاب النبی (ص)، مغازی، نکاح، طلاق، اطعمه، ذبائح، مرض، لباس، حدود، حیل و احکام از وی حدیث نقل کرده که از آن میان می‌توان به این حدیث اشاره کرد:

«حدثنا علی بن عبدالله، قال: حدثنا سفیان، قال: سمعت عبدالرحمان بن القاسم - و ما بالمدینه یومئذ افضل منه - قال: سمعت ابی، قال: سمعت عائشة (رض) قدم رسول الله من سفر و قد سترت بقرام لی علی سهوة لی، فیها تماثل، فلما رآه رسول الله، هتکه و قال: اشد الناس عذاباً یوم القيامة، الذین یضاهون بخلق الله، قالت: فجعلناه و سادة او و سادتين.»^۲

۲۹. ابن حنفیة هاشمی^۳ (متوفی ۸۱ ق / ۷۰۰ م)

محمد بن علی بن ابی طالب (ع)، ابو القاسم از تابعین که از پدر خود علی بن ابی طالب (ع) و عثمان بن عفان حدیث شنیده و روایت کرده است. عمرو بن دینار و فرزندان خود او، عبدالله و حسن و منذر الثوری، از او حدیث نقل کرده‌اند.

۳۰. ابو عبد الله قرشی هاشمی مدنی^۱ (متوفی بین ۹۰ - ۱۰۰ ق / ۷۰۹ - ۷۱۹ م)

محمد بن عمرو بن حسن بن علی بن ابی طالب (ع) هاشمی مدنی، از تابعین که از جابر بن عبد الله انصاری، ابن عباس و عمه پدرش زینب دختر علی بن ابی طالب (ع) حدیث شنیده و روایت کرده است. همچنین سعد بن ابراهیم و محمد بن عبدالرحمان انصاری از او روایت کرده اند.

نسائی، ابوزرعه، ابن خراش و ابو حاتم او را توثیق کرده اند. بخاری در کتاب مواقیع الصلاة از او این حدیث را نقل کرده است:

«حدثنا مسلم بن ابراهیم، قال: حدثنا شعبه، عن سعد بن ابراهیم، عن محمد بن عمرو - هو ابن الحسن بن علی - قال: سألتنا جابر بن عبد الله، عن صلاة النبي (ص) فقال: كان النبي (ص) يصلّي الظهر بالهاجرة والعصر والشمس حيّة والمغرب اذا وجبت والعشاء اذا كثر الناس عجلّ واذا قلوا خزرو الصبح بغلس.»^۲

۳۱. مقداد بن اسود بهرانی کندی مدنی^۳ (متوفی ۳۳ ق / ۶۵۳ م)

مقداد بن عمرو بن ثعلبة بن مالک بن ربيعة بن ثمامة بن مطرود بن عمرو بن سعد بن دهير بن لؤي بن ثعلبة، ابو معبد و يا ابو الاسود بهرانی کندی مدنی. از اصحاب رسول الله (ص) که در جنگ بدر و دیگر غزوات آن حضرت شرکت کرده و از آن حضرت حدیث شنیده و روایت نموده است. وی از اصحاب علی بن ابی طالب (ع) و از خواص آن حضرت بوده است. او از آن حضرت نیز حدیث شنیده و روایت کرده است. همچنین علی (ع)، عبد الله بن مسعود، ابن عباس، جبیر بن نفیر، عبدالرحمان بن ابی لیلی، همام بن حارث، عبید الله بن عدی بن خیار و دیگران از او حدیث شنیده اند.

از بریده نقل شده که پیامبر (ص) فرمود: خداوند دوستی چهار نفر را به من امر کرده است: علی بن ابی طالب (ع)، ابوذر، سلمان فارسی و مقداد، که این حدیث را احمد بن حنبل در مسند خود آورده است.

مقداد در هفتاد سالگی، در سال ۳۳ هجری، در جُرف در سه میلی مدینه چشم از جهان فرو بست و در بقیع به خاک سپرده

شد.

بخاری در کتابهای علم، وضو، جهاد، مغازی، تفسیر، نکاح و دیات از او حدیث نقل کرده، که این حدیث از آن جمله است:

«عن المقداد بن الاسود، انه قال: يا رسول الله! أرايت ان لقيت رجلاً من الكفار فقاتلني، فضرب احدى يدي بالسيف فقطعها، ثم لاذ مني بشجرة، فقال: اسلمت لله، فأقتله يا رسول الله بعد أن قالها؟ قال رسول الله (ص): لا تقتله. قال فقلت: يا رسول الله! أنه قد قطع يدي، ثم قال ذلك بعد ان قطعها، فأقتله؟ قال رسول الله (ص): لا تقتله، فان قتله فانه بمنزلك قبل ان تقتله وانك بمنزلته، قبل ان يقول كلمته التي قال.»^۴

۳۲. منهال بن عمرو اسدی کوفی^۵ (متوفی پس از ۱۱۰ ق / ۷۲۸ م)

منهال بن عمرو اسدی کوفی، مولی بنی عمرو بن اسد بن خزیمه.

۱. طبقات ابن سعد، ۱۹۵/۹؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱۸۹/۱ - ۱۹۰؛ الجرح والتعديل، ۲۹/۸؛ فتاوی ابن حبان، ۳۵۵/۵؛ الکشف، ۷۴/۳؛ تهذیب التهذیب، ۳۷۱/۹؛ تقریب التهذیب، ۱۹۵/۲؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۸۱ - ۱۰۰ ق)، ص ۴۷۰؛ رجال صحیح البخاری، ۶۷۰/۲ (رقم ۱۰۸۰)؛ تهذیب الکمال، ۲۰۳/۲۶ - ۲۰۴؛ موضع اوهام الجمع و التفریق، ۴۲/۱.
۲. صحیح بخاری، ۱۴۰/۱ - ۱۴۱ (کتاب مواقیع الصلاة، باب ۱۸، ۲۱).
۳. طبقات ابن سعد، ۱۶۱/۳ - ۱۶۲؛ تاریخ خلیفه بن خنیاط، ص ۱۶۸؛ معارف ابن قتیبه، ص ۱۲۰؛ مسند احمد بن حنبل، ۷۹/۴؛ ۸۶۲/۶؛ المعرفة و التاريخ، ۱۶۱/۲، ۴۰۱؛ ۱۶۷/۳، ۳۶۸؛ الاستیعاب، ۴۷۲/۳ - ۴۷۶؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۵۴/۸؛ تاریخ الفتا عجلوی، ص ۴۳۸؛ الجرح و التعديل، ۴۲۶/۸؛ سير اعلام النبلاء، ۳۸۵/۱ - ۳۸۹؛ تاریخ الاسلام ذهبی (عهد خلفاء الراشدين)، ص ۴۱۷ - ۴۱۹؛ اسد الغابة، ۴۰۹/۴ - ۴۱۰؛ تهذیب الکمال، ۴۵۲/۲۸؛ الکشف، ۱۵۳/۳؛ تهذیب التهذیب، ۲۸۵/۱۰؛ تقریب التهذیب، ۲۷۲/۲؛ الاصابة، ۴۵۴/۳ - ۴۵۵؛ رجال صحیح البخاری، ۷۲۵/۲ - ۷۲۶ (رقم ۱۲۰۷)؛ رجال طوسی، ص ۲۷، ۵۷؛ رجال کشی، ص ۱۱؛ رجال ابن داود، ص ۱۹۲؛ منتهی المقال، ۳۲۵/۶ - ۳۲۷؛ معجم رجال الحديث، ۳۱۴/۱۸ - ۳۲۱.
۴. صحیح بخاری، ۱۹/۵ (کتاب المغازی، باب ۱۲).
۵. طبقات خلیفه بن خنیاط، ص ۱۶۰؛ تاریخ ابن معین، ۵۹۰/۲؛ العلام و معرفة الرجال احمد بن حنبل، ۱۴۰/۱، ۱۶۱، ۲۴۳، ۴۰۸؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱۲/۸؛ الجرح و التعديل، ۳۵۶/۸ - ۳۵۷؛ سير اعلام النبلاء، ۱۸۴/۵؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۱۰۱ - ۱۲۰ ق)، ص ۴۸۳؛ میزان الاعتدال، ۱۹۲/۴؛ تهذیب الکمال، ۵۶۸/۲۸ - ۵۷۲؛ تهذیب التهذیب، ۳۱۹/۱۰ - ۳۲۰؛ تقریب التهذیب، ۲۷۸/۲؛ رجال صحیح البخاری، ۷۳۸/۲؛ رجال طوسی، ص ۷۹، ۱۰۱، ۱۲۸، ۳۱۹؛ قاموس الرجال تستری، ۱۳۳/۹؛ معجم رجال الحديث، ۸/۱۹.

ادب، فن و اعتصام از او حدیث نقل کرده، که این حدیث از آن جمله است:

«حدَّثنا محمد بن سلام، قال: أخبرنا عبد الوهاب الثقفي، قال: حدَّثنا خالد الحذاء، عن أبي المنهال، عن أبي برزقة، أن رسول الله (ص) كان يكره النوم، قبل العشاء و الحدیث بعدها.»^۳

۳۴. ابوجحيفة سوائي كوفي^۲ (متوفى ۷۱ یا ۷۴ ق / ۶۹۰ یا ۶۹۳ م)

وهب بن عبدالله، ابوجحيفة سوائي از بنی سوءة بن عامر بن صعصعة كوفي. از اصحاب رسول الله (ص) که از آن حضرت حدیث شنیده و روایت کرده است. او همچنین از اصحاب علی (ع) شمرده می شود و از آن حضرت نیز حدیث شنیده و روایت نموده و از خواص یاران امیرمؤمنان بوده و حضرت علی (ع) او را مستول بیت المال، کوفه گذاشت. وی در همه جنگهای جمل، صفین و نهروان، با علی (ع) بود و آن حضرت وی را بسیار دوست می داشت و او را وهب الخیر و وهب الله می نامید. او همچنین از طرف حضرت علی (ع) رئیس شرطه

از اصحاب حسین بن علی (ع)، علی بن الحسین (ع)، محمد بن علی الباقر (ع) و جعفر بن محمد بن علی الصادق (ع) که از آنان حدیث شنیده و روایت کرده است. از انس بن مالک، یعلی بن مرة، محمد بن حنفیه، ابن مسعود، سعید بن جبیر، مجاهد، عبدالرحمان بن ابی لیلی و دیگران حدیث شنیده و روایت کرده است. محمد بن عبدالرحمان بن ابی لیلی، اعمش، ربیعة بنت عتبة الکنانی، شعبه و گروه زیادی از او روایت کرده اند.

ابن معین و نسائی او را توثیق کرده اند. عجلی او را کوفی و ثقه و دارقطنی وی را صدوق دانسته اند.

جوزجانی او را سبئی المذهب به شمار آورده، ولی ابن حبان او را جزو ثقات دانسته است.

بخاری در تفسیر سورة فضلت (حم - سجده)، از او این حدیث را نقل کرده است:

«... و قال المنهال عن سعید، قال: قال رجل لابن عباس: أتى اجد فی القرآن اشياء تختلف علی، قال: فلا انساب بينهم يومئذ ولا يتساءلون و اقبل بعضهم علی بعض يتساءلون و لا یکتُمون الله حدیثاً، ربنا ما كنا مشرکین...»^۱

۳۳. ابوبرزة اسلمی بصری^۲ (متوفى ۶۴ ق / ۶۸۴ م)

نضلة بن عید یا نضلة بن عمرو یا نضلة بن عائذ، ابوبرزة اسلمی بصری خزاعی. از صحابی رسول الله (ص) که از آن حضرت حدیث شنیده و روایت کرده است. او از اصحاب خاص و از اصفیای امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) بوده و از آن حضرت نیز حدیث روایت کرده است.

فرزند وی مغیره، و حفیده او منیه، دختر عید، ابوعثمان نهدی، ازرق بن قیس، ابومنهال سیار بن سلامه، کنانه بن نعیم عدوی و دیگران از او حدیث شنیده و روایت نموده اند.

او در صفین همراه علی (ع) و در رکاب وی بوده است و طبری از ابی مخنف روایت کرده که پس از شهادت حسین بن علی (ع)، هنگامی که سر مبارک آن حضرت را به شام، نزد یزید بن معاویة بن ابی سفیان، بردند و او بر لبهای مبارک آن حضرت، چوب خیزران می زد، ابوبرزة، در مجلس یزید حاضر بود و به یزید اعتراض کرد و کار او را نکوهش نمود.

بخاری در کتابهای مواقیع الصلاة، اذان، العمل فی الصلاة،

۱. صحیح بخاری، ۳۵/۶ (کتاب تفسیر القرآن، تفسیر سورة فضلت (حم سجده) فی الشرح.

۲. طبقات ابن سعد، ۲۹۸/۴؛ ۹/۷، ۳۶۶؛ تاریخ ابن معین، ۶۰۶/۲؛ مسند احمد بن حنبل، ۴۱۹/۴؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱۸۸/۸؛ طبقات خلیفة بن خیاط، ص ۱۰۹، ۱۸۷؛ معارف ابن قتیبه، ص ۳۳۶؛ الجرح و التعمیل، ۳۵۵/۳؛ الاستیعاب، ۲۴/۴؛ تاریخ بغداد، ۱۸۲/۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۴۰/۳ - ۴۳؛ اسد الغابة، ۹۳/۲؛ ۴۶۸/۳، ۱۹/۵، ۱۴۶ - ۱۴۷؛ تهذیب الکمال، ۴۰۷/۲۹ - ۴۱۰؛ الکاشف، ۱۸۱/۳؛ تاریخ الاسلام ذهبی (عهد معاویة بن ابی سفیان)، ص ۳۳۱؛ تهذیب التهذیب، ۴۴۶/۱۰ - ۴۴۷؛ تقریب التهذیب، ۳۰۲/۲؛ الاصابة، ۵۵۶/۳ - ۵۵۷؛ رجال صحیح البخاری، ۷۵۴/۲؛ رجال طوسی، ص ۶۰؛ رجال برقی، ص ۳؛ منتهی المقال، ۳۸۳/۶؛ معجم رجال الحدیث، ۱۶۱/۱۸؛ قاموس الرجال تستری، ۲۰۴/۹ - ۲۰۶.

۳. صحیح بخاری، ۱۴۲/۱ (کتاب مواقیع الصلاة، باب ۲۳).

۴. طبقات ابن سعد، ۶۳/۶ - ۶۴؛ طبقات خلیفة بن خیاط، ص ۵۷، ۱۳۲؛ تاریخ خلیفة بن خیاط، ص ۲۷۳؛ تاریخ ابن معین، ۲۳۶/۲؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱۶۲/۸؛ تاریخ الصغیر بخاری، ص ۸۱؛ الجرح و التعمیل، ۳۲/۹؛ الاستیعاب، ۳۶/۴ - ۳۷؛ سیر اعلام النبلاء، ۲۰۲/۳ - ۲۰۳؛ اسد الغابة، ۱۵۷/۵؛ تهذیب الکمال، ۱۳۲/۳۱ - ۱۳۳؛ الکاشف، ۲۱۵/۳؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۶۱ - ۸۰ ق)، ص ۵۴۹؛ تهذیب التهذیب، ۱۶۴/۱۱؛ تقریب التهذیب، ۳۲۸/۲؛ الاصابة، ۶۴۲/۳؛ رجال صحیح البخاری، ۷۵۹/۲ - ۷۶۰ (رقم ۱۲۷۳)؛ رجال شیخ طوسی، ص ۶۱؛ رجال برقی، ص ۵؛ منتهی المقال، ۳۹۸/۶ - ۳۹۹؛ قاموس الرجال تستری، ۲۶۴/۹ - ۲۶۵؛ معجم رجال الحدیث، ۲۰۳/۱۹ - ۲۰۸.

کوفه بود.

شعبی، ابواسحاق سیعی، اسماعیل بن ابی‌خالد، حکم بن عتب، سلمه بن کهیل و عون فرزند خودش، از وی حدیث شنیده و روایت کرده‌اند.

ابوجحیفه در زمان حکومت بشر بن مروان در کوفه، چشم از جهان فرو بست. برخی هم نوشته‌اند که تا سال هشتاد هجری نیز زنده بوده است.

بخاری در کتابهای علم، وضو، صلاة، اذان، صوم، بیوع، جهاد، مناقب، مناقب الانصار، نکاح، طلاق، اطعمه، اشربه، لباس، ادب و دیات از او حدیث نقل کرده، که این دو حدیث از آن جمله است:

«عن اسماعیل بن ابی‌خالد، قال: سمعت اباجحیفه (رض)، قال: رأیت النبی (ص) و کان الحسن بن علی (ع) یشبهه، قلت لابی‌جحیفه: صفه لی، قال: کان ابيض قد شمط و امر لنا النبی (ص) بثلاث عشر قلوفاً، قال: فقبض النبی (ص) قبل ان نقبضها.»^۱

«حدَّثنا ابن سلام، قال: اخبرنا وكيع، عن سفیان، عن مطرف، عن الشعبي، عن ابی‌جحیفه، قال: قلت لعلی هل عندکم کتاب؟ قال: لا، الا کتاب الله، او فهم اعطيه رجل مسلم، او ما فی هذه الصحيفة، قال: قلت و ما فی هذه الصحيفة؟ قال: العقل و فکاک الاسير و لا يقتل مسلم بکافر.»^۲

منابع

اختیار معرفة الرجال (المعروف برجال الکشی)، شیخ طوسی، به کوشش حسن مصطفوی، ۱۳۴۸ش؛ الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، به کوشش علی محمد بجاوی، قاهره، در حاشیه الاصابة، ۱۹۶۰م؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ابن اثیر جزیری، قاهره، ۱۹۷۱م؛ الاصابة فی تمييز الصحابة، ابن حجر عسقلانی، به کوشش علی محمد بجاوی، قاهره، ۱۹۶۰م؛ الاكمال، ابن ما کولاً، به کوشش عبدالرحمان یمانی، حیدرآباد دکن، ۱۹۶۲-۱۹۶۶م؛ امالی، شیخ مفید، به کوشش حسین استاد ولی و علی‌اکبر غفاری، قم، ۱۴۱۳ق (مجلد ۱۳ مصنفات الشیخ المفید)؛ الانساب، عبدالکریم سمعانی، به کوشش عبدالرحمان معلمی یمانی، بیروت،

۱۹۸۱م؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، محمدباقر، بیروت، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م؛ البدياية و النهاية، ابن‌کثیر، قاهره، ۱۳۵۱-۱۳۵۸ق؛ تاریخ، ابن معین، به کوشش احمد محمد نور سیف، مکه المکرمة، ۱۹۷۹م؛ تاریخ الاسلام، ذهبی، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م تا ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۱م؛ تاریخ اسماء الثقات، ابن شاهین ابوحفص عمر، به کوشش صبحی سامرائی، کویت، ۱۴۰۴ق؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، مصر، ۱۹۴۸م و بیروت، دارالکتاب العربی، افس؛ تاریخ الثقات، عجلی، احمد بن عبدالله، به ترتیب حافظ هیشمی نورالدین، به کوشش عبدالمعطی قلعجی، مکه المکرمة؛ تاریخ خلیفه بن خیاط، به کوشش سهیل زکار، دمشق، ۱۹۶۷-۱۹۶۸م؛ تاریخ الصغیر، ابو عبدالله بخاری، به کوشش محمود ابراهیم زاید، حلب، ۱۳۹۷ق؛ تاریخ الکبیر، ابو عبدالله بخاری، به کوشش معلمی یمانی، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۰ق؛ تذکرة الحفاظ، ذهبی، به کوشش عبدالرحمان معلمی یمانی، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۷ق؛ تقریب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، به کوشش عبدالوهاب عبداللطیف، قاهره، ۱۳۸۰ق؛ تهذیب الاسماء و اللغات، نووی، یحیی بن شرف، قاهره؛ تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۵-۱۳۲۷ق؛ تهذیب الکمال، جمال‌الدین یوسف میزی، به کوشش بنّار عواد معروف، بیروت، ۱۴۱۳ق / ۱۹۹۲م؛ ثقات، ابن حبان، ابوحاتم بستی، به کوشش محمد عبدالمعید خان، حیدرآباد دکن، ۱۹۷۳-۱۹۸۳م؛ الجرح و التعديل، ابن ابی حاتم رازی، به کوشش عبدالرحمان معلمی یمانی، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۳ق؛ رجال، ابن داود حلّی، تقی‌الدین، به کوشش سید محمدصادق بحرالعلوم، نجف اشرف، مطبعة الحیدریة؛ رجال، برقی، احمد بن عبدالله، تهران، ۱۳۴۳ش؛ رجال (خلاصة الاقوال)، علامه حلّی، به کوشش سید محمدصادق بحرالعلوم، نجف اشرف، ۱۳۸۱ق؛ رجال صحیح البخاری، کلاباذی بخاری، احمد بن محمد، به کوشش عبدالله لیتی، بیروت، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م؛ رجال، شیخ طوسی، به کوشش سید محمدصادق بحرالعلوم، نجف اشرف، ۱۳۸۱ق / ۱۹۶۱م؛ رجال، کشی، به کوشش سید احمد حسینی، کربلا، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات؛ رجال، نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، به کوشش سید موسی

۱. صحیح بخاری، ۴۱۱/۶-۴۱۲ (کتاب مناقب، باب صفة النبی (ص))، ۲۳.

۲. صحیح بخاری، ۳۶/۱ (کتاب العلم، باب ۳۹).

شبيرى زنجانى، قم، ١٤٠٧ ق؛ سير اعلام النبلاء، ذهبى، به كوشش شعيب الارنؤوط و حسين اسد و ديگران، بيروت، ١٤١٠ ق / ١٩٩٠ م؛ السيرة النبوية (سيرة ابن هشام)، به كوشش مصطفى التقا، ابراهيم ايارى، عبدالحفيظ شلبى، بيروت، ١٣٩١ ق / ١٩٧١ م؛ سنن (الجامع الصحيح)، الترمذى، به كوشش احمد شاكر و ديگران، قاهره، ١٩٣٨ - ١٩٦٢ م؛ شذرات الذهب، ابن عماد حنبلى، قاهره، ١٣٥٠ ق؛ صحيح، بخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل، استانبول، داراللدعوة، ١٤٠١ ق / ١٩٨١ م؛ طبقات الكبرى، ابن سعد، به كوشش احسان عباس، بيروت، ١٤٠٥ ق / ١٩٨٥ م؛ طبقات الحفاظ، جلال الدين سيوطى، به كوشش على محمد عمر، قاهره، ١٩٧٣ م؛ طبقات الحنابلة، ابن ابى يعلى، به كوشش محمد حامد الفقى، قاهره، ١٩٥٢ م؛ طبقات خليفة بن خياط، به كوشش اكرم ضياء عمري، رياض، ١٩٨٢ م و سهيل زكار، دمشق، ١٩٦٦ م؛ طبقات الشافعية الكبرى، عبد الوهاب سبكي، به كوشش عبدالفتاح الحلوى و محمود الطناحى، قاهره، ١٩٦٤ - ١٩٧٦ م؛ طبقات المفسرين، شمس الدين داودى، بيروت، ١٤٠٣ ق / ١٩٨٣ م؛ العبر، ذهبى، به كوشش ابوهاجر محمد السعيد بن سبونى زغلولى، بيروت، ١٤٠٥ ق / ١٩٨٥ م؛ اللؤلؤ و معرفة الرجال، احمد بن حنبل، به كوشش طلعت فرج و اسماعيل جراح، انقره (آنكارا)، ١٩٦٣ م؛ غاية النهاية (في طبقات القراء)، ابن جزرى، شمس الدين محمد، به كوشش برجستراسر، قاهره، ١٩٣٢ - ١٩٣٣ م؛ الفهرست، ابن نديم، به كوشش رضا تجدد، تهران، ١٣٩٣ ق / ١٩٧٣ م؛ الفهرست، شيخ طوسى، بيروت، ١٤٠٣ ق / ١٩٨٣ م؛ قاموس الرجال، محمد تقى تسترى، به كوشش مؤسسة النشر الاسلامى، قم، ١٤١٠ ق و چاپ تهران؛ الكاشف، ذهبى، بيروت، ١٩٨٣ م؛ الكافي، كلينى، محمد بن يعقوب، به كوشش على اكبر غفارى، بيروت، ١٤٠٥ ق

/ ١٩٨٥ م؛ الكامل، ابن اثير، عز الدين، بيروت، ١٩٦٥ - ١٩٦٧ م؛ كنز العمال، متقى هندى، بيروت، ١٩٧٩ م؛ اللباب فى تهذيب الانساب، ابن اثير، عز الدين، مصر، ١٣٥٦ - ١٣٦٩ ق؛ مرآة الجنان، شافعى، خيدرآباد دكن، ١٣٣٧ - ١٣٣٩ ق؛ مروج الذهب، المسعودى، به كوشش يوسف اسعد داغر، دارالاندلس بيروت ١٩٦٥ م؛ مسند احمد بن حنبل، مصر، ميميه، ١٣١٣ ق؛ مصنفات شيخ مفيد (التجمل)، به كوشش سيد على ميرشريفى، قم، ١٤١٣ ق / ١٣٧١ م؛ معارف، ابن قتيبه، به كوشش ثروت عكاشه، قاهره، ١٩٦٩ م؛ معجم رجال الحديث، ابوالقاسم خونى، بيروت، ١٤٠٣ ق / ١٩٨٣ م؛ معجم الكبير، طبرانى، به كوشش حمدى عبدالمجيد سلفى، مكتبة التوعية الاسلامية، بغداد، ١٣٩٨ ق؛ المعرفة و التاريخ، فسوى، يعقوب بن سفيان، به كوشش اكرم ضياء عمري، بيروت، ١٩٨١ م؛ المغازى، واقدى، محمد بن عمر، به كوشش مارسدن جونسن، بيروت، ١٤٠٤ ق / ١٩٨٤ م؛ مفتاح السعادة، طاش كبرى زاده، به كوشش بكرى و عبد الوهاب ابوالنور، قاهره، دارالكتب الحديثية؛ منتهى المقال، ابو على حائرى، به كوشش مؤسسة آل البيت (ع)، قم، ١٤١٦ ق؛ موضح اوهام الجمع و التفریق، خطيب بغدادى، حيدرآباد دكن، ١٣٧٩ ق / ١٩٦٠ م؛ ميزان الاعتدال، ذهبى، به كوشش على محمد بجاوى، قاهره، ١٩٦٣ م؛ النجوم الزاهرة، ابن تغرى بردى، قاهره، ١٩٢٩ - ١٩٥٦ م؛ نقد الرجال، تفرشى، سيد مصطفى حسي، به كوشش مؤسسة آل البيت (ع)، قم، ١٤١٨ ق؛ الوافى بالوفيات، صفدى، به كوشش جمعية المستشرقين الالمانية، بيروت، ١٩٦٢ - ١٩٨٣ م؛ وفيات الاعيان، ابن خلكان، به كوشش احسان عباس، بيروت، ١٩٦٨ م؛ هدى السارى فى مقدمة فتح البارى، ابن حجر عسقلانى، قاهره، السلفية، ١٣٩٠ ق؛